

رئوس برنامه حداقل

- * نابودی نظام سرمایه داری وابسته
 - * ایجاد نظام دمکراسی توده‌ای
 - * تأمین رفاه عمومی زحمتکشان
 - * پی ریزی نظام اقتصادی بر پایه منافع کارگران و زحمتکشان
 - * تأمین حقوق و آزادیهای دمکراتیک برای خلق
 - * اتخاذ سیاست خارجی مستقل و متکی بر منافع طبقه کارگر و خلقهای ایران
- وسراسر جهان صفحه ۹

کاندیداهای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر برای مجلس شورای ملی



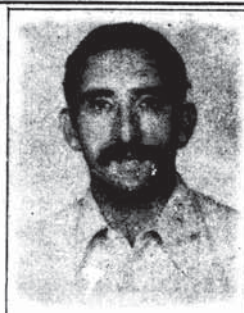
رفیق قاسم عابدینی
(بروجرد)



رفیق حسین احمدی روحانی
(تهران)



رفیق مهتری حیدرآده
(تهران)



رفیق مرتضی (حسین) آلابوش
(تهران)



رفیق علیرضا سیاسی آشتیانی
(تهران)



رفیق محمدرحیم‌نظاری بوری
(تبریز)



رفیق حبیب سیداحمدیان
(تبریز)



رفیق محمدخلیلی
(سقز)



رفیق شهن قادری
(سنندج)



رفیق مسعودپورکریم
(بندر انزلی)

دعوت به میتینگ

بدین وسیله به اطلاع کلیه هموطنان مبارز می‌رسانیم، سازمان مادر آستانه انتخابات مجلس شورای ملی میتینگی ترتیب خواهد داد، که در آن دو تن از کاندیداهای تهران، رفقا:

- ۱ - علیرضا سیاسی آشتیانی
- ۲ - حسین احمدی روحانی

سخنرانی خواهند کرد.

مکان: دانشگاه صنعتی (شریف)

زمان: ساعت ۳ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۹

توطئه ارتجاع در کردستان در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی صفحه ۴

سازمان مجاهدین خلق در دام توهّمات لیبرالی! صفحه ۱۰

مبارزه کارگران شرکت نفت - ایران شاهر

انتقاد از خود به سبک "سه جهانی" صفحه ۱۵

کارگران مبارز قرقره زیباشورای تحمیلی رانند برفتند صفحه ۱۵

گرامی باد خاطره رفیق شهید مرتضی خاموشی صفحه ۱۶

کارنامه ۱۷ سال مبارزه رفیق حسین احمدی روحانی صفحه ۵

دومین سالروز قیام تبریز گرامی باد! صفحه ۲

کارگران، زحمتکشان، نیروهای انقلابی و مترقی به کاندیداهای ما رأی دهید!

مجلس را به سنگر دیگری برای افشای امپریالیسم و ارتجاع تبدیل کنیم! کارگران و زحمتکشان! هموطنان مبارز!



گشته اند برایتان با زگومی کنیم. نه برای کاسبکاری و سوداگری، نه برای منت گذاشتن بر کسی، نه! برای اینکه به شما نشان دهیم که چه کسی در راه مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم شاه و بیخا طرها نشی کارگران از قید استعمار و فداکارانه و فداکارانه با شما بودنتان پای جان پیش روند. وجه کسانی در همین سالها ما تندموش در سوراخها نشان خیزده بودند. آری لازم است و بسیار لازم است که زندگی نامهای این چنین رفقا را دهها بار رودهها با ریه شما نشان دهیم تا فرصت طلبان و میوه چینیان، خائنین بخلق، بورژوازیهای حریص و در کمین و کسانیکه مثل موش در این سالها در سوراخها نشان خیزده بودند، افشا و رسوا شوند. آنها به سوراخها نشان خیزده بودند تا در فرصت مناسب برگردند، خلق و موم مبارزان آنها سوار شوند و زهر سازکاری و خیانت خودشان را بر حرکت مردم و بیرون انقلاب فروریزند. آری، زندگینامه این رفقا و گدبه تنهایی میباید بسیاری حقایق را روشن نماید. می توانند فضا گرما هیت بسیاری از کسانی باشد که بروم مبارزان مردم سوار شدند و سزا نجام هم کثیف ترین خیانتها و ضربات را بر همین انقلاب زدند. آنها می توان گفت این ضربات و خیانتها بعد از قیام ارتباطی با آن خانه نشینیها، "مهاجرتها" خارج نشینیها و خیانتها و گذشته آنها نداشتند. است؟ خیر. اینها دقیقاً زوی یک سکه هستند. انقلاب را فقط انقلابیون راستین می توانند رهبری کنند. این قانون بی چون و چرای انقلاب است. هر زمان که سرشوت و رهبری انقلاب بدست بازرگانها، بزرگانها، قطب زادهها، چیرانها، بنی صدرها، صاغیانها و لیست طول و دوزاری از کسانی که یک عمر با بخت و ذلت تن دادند و بی فایده خارجه را برقرار ترشح دادند و به مبارزه مردم پشت نمودند. آنوقت نتایجش همین می شود که در این سالها شاهد بودیم. بی جهت و تصادفی هم نبود و نیست در حالیکه تنها یکسال از قیام عظیم و شکوهمند خلقهای قهرمانمان می گذرد مردم احساس می کنند که کلاه بزرگی بر سرشان رفته و غیراً از فریبنا رمدودی که در این سیستم به اعتبار گذشته آنها، به این سیستم حیثیت می دهند، اکثریت نزدیک به اتفاق آنها مشتاقی امپریالیسم و لیبرال مرتجع و شباده، کاسیکاریسی هستند. ولی خلقی که قیام را از سر گذراند، انقلابیون بی که در بدترین شرایط دیکتاتوری مبارزه نمودند، مخال است به بورژوازیهای نورسیده و فرص طلب و خائنینی که انقلاب را به این بست کشانند و محال دهند که بخواهند حتی بتوانند برگردند مردم حکومت کنند. آنها دیرباز زود این فرصت طلبان و مرتجعین نورسیده را به جایگاه تاریخی خویش خواهند فرستاد. کما اینکه تا همین امروز نیز به مدافعا گریها و فعالیتهای انقلابی انقلابیون و بخصوص کمونیستها، پسته بسیاری از این شایدان بروی آب افتاده است. و خواهیم دید که چگونه بنیهای بزرگی بعد از دیکتاری تکلیفشان روشن می شود!

اینک با این توضیح به معرفی کاندیداهای خود میپردازیم و از کلیه کارگران و زحمتکشان و هموطنان مبارزان و کلیه نیروهای انقلابی و مترقی میخواهیم که برای تقویت هر چه بیشتر و نیروهای خلق از کاندیداهای سازمان ما پشتیبانی کنند

با حيله و نیرنگ آنان را می فریبند، آنها خود را بقول خودشان حامی "مستضعفین" معرفی میکنند در حالیکه با خود کارخانه داران روزمین دار هستند و با خدمتگزاران و نامایند آنها. آنها بخصوص هم از اسلام می زنند تا از احساسات مردم استفاده کنند، در حالیکه زحمتکشان خود در همین یکسال اخیر تا حدی بودند که چه چهره های مقدس ما بکسای آنها بر همه معلوم نگردد. بنا بر این کارگران و زحمتکشان! شما که در همین یکسال گذشته شاهد کردار و عمل بسیاری از حرفا و بیگوهای نیرنگ با زازا خائنین لیبرال ترفعتا خرد بورژوازیهای مرفه بوده بدهرگز نباید صرف حرف بظا هر خوب بکسی اعتمادا نکنید. در این میان یکی از معیارهای شما با بعضی سوابق کاندیداهای در دوران شاه باشد. لازم است همه بدانند که کسانی که امروز خود را "انقلابی" و "حامی مستضعفین" معرفی می کنند در گذشته و در زمان شاه چه می کردند؟ آیا طرفداران آسای بوده اند؟ آیا خارجه نشین و فرصت طلب بوده اند؟ آیا فقرا، بیخندان و نماز جماعت در مساجد و آهسته رفتن و آهسته آمدن مشغول بوده اند؟ و یا برعکس در گذشته با تمام وجود و فداکاری علیه نظام سلطنتی، علیه امپریالیسم و علیه استعمار و سیستم طبقاتی بیگانه گردانند؟ آری کاندیدی که شما انتخاب می کنید باید بیست مبارز و انقلابی بیکیبرد در زمان شاه، و همواره وفادار به زحمتکشان باشد. بر این اساس است که ما کاندیداهای خود را شما معرفی می کنیم. ما سوابق مبارزاتی آنها و رنجها و مصائبی را که آنان در طی سالهای دراز در مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم متحمل

اینک در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی قرار گرفته ایم. انتخاباتی که برای زحمتکشان یک معنا و برای سرمایه داران و وزمین داران بزرگ و زالو و مفسد و برای تجار و ثروتمندان معنای دیگری دارد. کارگران و دیگر کارمندان در این انتخابات شرکت می کنند تا بلکه به برخی از خواسته های خود برسند. استقلال، رفاه و آزادی برسند. آنها ن سمانده خود را بر این اساس که تا چند برای آنها دلسوز است تا چند در راه و رنجهای آنان را درک می کند. انتخاب می کنند. اما سرمایه داران چگونه؟ پس در این حیطه؟ و بیخا و ثروتمندان چگونه به سخنان می نگرند؟ آنها به استعمار بیشتر، غارت سیر و سیر و کشتی بیشتر قمری می کنند. و تا چند کارگران و سربازان اساس انتخاب می کنند. آنها بیست و اندک سندی انتخاب می کنند که شود و بر سر را برای آنها تضمین کند. آنها دنبال بیست و بیست و سه "و" و "امیت" مورد نظر آنها را بر سر را زد، نظم را مینویسند که بنگاه است و فقط به سود سرمایه داران و تجار ما می شود. نه بضع زحمتکشان. اما آیا سرمایه داران سرمایه داران و وزمین داران در کجوه و با زار فریاد می زنند که ما سراسری خدمت به سرمایه داران و برای تضمین بیشتر غارت و استثمار کارگران به مجلس می رویم؟ آیا آنها به زحمتکشان می گویند که ما برای باعمال کردن حقوق شما به مجلس می رویم؟ هرگز! آنها اینقدر احمق نیستند آنها خوب می دانند که اکثریت مردم ما معرکا کارگران و زحمتکشان تشکیل می دهند. بنا بر این سه رای آنها سازد. پس با حربه های حوش آب و روشنگر و

دومین سالروز قیام تبریز گرامی باد!

در آوردند و مظاهرها به داری وابسته شاه را به آتش کشانند. رژیم در برابر این انفجار بظا هر ناگهانی شدت هراسان گردید و تمام قوای خود را در خاموشی و ختن و سرکوب این قیام و اثرات بعدی آن بکار برد. اما جنبش آزادیخواهان توان و نیروی بر خوردا ریود که به این سادگیها قابل مهار شدن نیست. آتش که در تبریز بیهوده بود سرعت به نقاط دیگر گسترش یافت و از آن پس گامهای انقلاب با سرعتی بیشتر، کیفیتی بالاتر و توانی بس نیرومندتر برداشته می شد.

۲۹ بهمن ۱۳۵۶، نقطه ای حساس و افتخار آفرین در انقلاب دموکراتیک و فدا میریایی خلقهای قهرمان ایران و سرآغازی خونین بزرگدوره توفانی از مبارزات انقلابی مردم تحت ستم است. حرکت قهرمانانه خلق تبریز در آن روز در شرایطی رخ داد که انقلاب کامیابی اولیه خود را با مسابزات مردم خارج از محدوده تهران، نظا هرات و سبغ دانشگاهی، اعتمادات کارگری و با لاجره حرکت دلاورانه مردم قم در ۱۹ دی برداشته بود و میرفت تا توفان عظیمی در سراسر نقاط ایران برپا سازد. تنها حرفه ای کامیابی بود که حرکت سریع اما با نسیسه آرام انقلاب را به نفع ما و شورهای خونین و به مبارزات قهرآمیز خودها تبدیل کند و این حرفه در تبریز حاصل شد. جدیت یکی از مزدوران رژیم در اجتماع مردمی که بنیابست چهل شهدای قهرمانانه بوده، آنجنان آتش خشم و نفرت دیرینه بوده را شعله وریخت که شهر تبریز را بیکارچه در لهیب سوزان خود فروبرد. مردم بخشم آمده از جنایات رژیم و زالیان دراز ستم و استعمار و غارتگری شهروان برای اساطی چند به تصرف

ویژگی حرکت افتخار آفرین تبریز را باید در عظمت و یکبارگی و در خلعت کلاما قهرآمیز آن نسبت به سلطه امپریالیسم و عوامل داخلی آن دانست. این نخستین بار در دوران اعتلای انقلابی بود که مردم اجتماعات و نظا هرات گسترده و همگانی برپا می ساختند، اما نخستین بار بود که حرکتی اینچنین خشم آکنده و تنده ای نسبت به مظاهرا ستم و استعمار در صفحه در صفحه ۱۵



۱- رفیق علیرضا سپاسی آشتیانی

رفیق در سال ۱۳۳۳ در آشتیان در خانواده‌ای متوسط متولد شد. سنین کودکی ونوجوانی رادرهمنجا گذراند ودر سن ۱۵ سالگی به تهران آمد. در رابطه با جوسا سی- مذهبی خانواده اش سرمت به مسائل سیاسی و آوردن از همان زمان نسبت به مبارزه، از خود شور و شوق فراوان نشان داد. در سالهای ۴۲-۳۹ که مبارزات توده‌ها علیه امیرالایم و رژیم ارتجاعی شاه رندوا و ج نویسنده یافته بود، دورانی است که او با مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه بیشتر آشنا شده و به این مبارزات کشیده میشود. این مبارزات توده‌ای که در آن موقع عمدتاً حول شرکت درسخترا نی-ها و محافل سیاسی مذهبی و شرکت در تظاهرات خیابانی و سینما، کار دور میرد، وی را که در آن موقع فردی مذهبی بود بر آن داشت که در جستجوی بزدا شتهای مبارزه جویانه از مذهب رود تا بتواند نسبت مبارزاتی خود را هر چه بیشتر تعمیق بخشد. در همین دوره است که او به اختلافات فاش طبقاتی جامعه و رن-ج و بدیشی ملیونوها توده و زحمتکش تحت ستم جامعه و فتروسی چیزی آنان و همینطور چهره "کره رژیم تبه-کار و غارتگر شاه" پی برده و این مسئله نقش سازری در شکل گیری روحیه و طرز تفکر مبارزاتی و ضد استثماری او بحای می گذارد. او در او ا خراین دوره هدف اصلی زندگی خویش را با زبانه و به مبارزه انقلابی بسا رژیم شاه بعنوان یک تعدد انقلابی و مذهبی و بعنوان یک امر مقدس فکرمیکند. او به دا نشگاه فکرمی کند و به مبارزات آن. او قبل از ورود به دا نشگاه و در بدو آن قبل از آنکه بخود دا نشگاه فکرمیابد، به مبارزات پرشوری که در آن جریان داردمی اندیشد. شور و شوق مبارزات دانشجویان در آن زمان رفیق را همانند بسیاری از هموطنان مبارز که دا نشگاه و دانشجویان انقلابی را سترکت تا پذیر مبارزات خلق می- دانستند، سبناش و امبداش- آرزو میکرد که بتواند خود در این سترکت قرار گیرد. رفیق در سال ۴۲ با چنین ایده‌ای در رشته معماری دانشکده هنرهای زیبای دا نشگاه تهران پذیرفته شد و در سترکت دا نشگاه همچنان که انتظار داشت امکانات مناسبی برای مبارزه به

دست آورد.

با قیام ۱۵ خرداد یکبار دیگر مبارزات پر خروش خلق سرکوب شد. امیرالایم با ردیگر جنگ و دندان نشان داد و رژیم وابسته شاه دوباره حاکمیت مطلق خویش را باز یافت. و چکه پوئنا شاه بر مردم مسلط گردیدند. حالت شکست و ناامیدی بر چهره توده‌ها ظاهر گشت. رفیق در دوره بعد از قیام ۱۵ خرداد که خود فعلاً نه در آن شرکت داشت همانند بسیاری به ناگافی بود مبارزات غیر مسلحانه پی برده ولی در مقابل هنوز به زحمت کار ساز دیگری نمی رسید. داشتن تشکیلات و مبارزات مخفی و مسلح اولین چیزهای بود که ذهن بسیاری از روشنفکران و جوانان انقلابی ما در آن زمان بخود مشغول می نمود و رفیق نیز از آن جمله بود. به همین جهت زمانی که یک جریان مذهبی (حزب ملل اسلامی) با هدف سرنگونی قهرآمیز رژیم شاه بوجود آمده بود و به پیشنهاد همکاری و عضویت میدهد، او گویا کشیده خویش را در زمینه چگونگی مبارزه با فتنه و با عشق و شور فراوان به این گسروه می پیوندد. مدت زیادی نمی گذرد که این گسروه همانند بسیاری از گروههای آن زمان بدلیل ضعف و نبود تجربه سیاسی و نداشتن تفکر و اسلوب علمی مبارزه، به تورپلیس افتاده، و تمام اعضای آن دستگیری شوند و او هم در آن میان سال ۴۲ دستگیر و در سیدانگا به دو سال زندان محکوم میگردد. زندان فرصت مناسبی برای آشنائی با مسائل سیاسی و مبارزاتی برای او فراهم میکند. رفیق در سال ۴۶ با عزمی راسخ تر از گذشته برای مبارزه علیه رژیم شاه از زندان آزاد میشود. بلافاصله بعد از آزادی علیرغم اینکه مستقیم و غیر مستقیم از طرف ساواک تحت نظر قرار می گرفت، با استفاده از تجربیات گذشته در زمینه مخفی کاری، به اتفاق دو نفر از همزمان سابقش، گروهی مذهبی بنسب " حزب الله " را پی ریزی می نماید. این گروه بعد از نیمه دوم سال ۵۰ به سازمان مجاهدین خلق ایران می پیوندد. وزنگی مخفی رفیق از همین زمان آغاز می شود.

در درون سازمان مجاهدین خلق رفیق از جمله رزمندگان پر شور و فعال بود، از عملیات نظامی مهم رفیق در این دوره شرکت در یک خلع سلاح ناموفق و سپس فرار از جنگ پلیس و دیگری اعدام انقلابی سرتیپ سعید طاهری افسر جانی بکتار رژیم شاه بود که به اتفاق شهید محمد مفیدی انجام داد. این عملیات که در آن یکی از منفورترین افسران جنایتکار رژیم شاه که دستش بخون صدها شهروندان ما آغشته بود و نقش فعالی در سرکوب قیام ۱۵ خرداد داشت اعدام انقلابی گردید، مورد استقبال وسیع توده‌های خلق ما قرار گرفت. رژیم بدلیل حساسیت و نفرتی که بخصوص بخاطر شرکت رفیق در این اعدام انقلابی نسبت به او داشت، خانواده اش را مورد آزار و اذیت فراوان قرار داد.

رفیق علیرغم در طی ۷ سال کار مخفی و زیر- زمینی چندین بار از جنگ مزدوران ساواک و پلیس آریا منبری قرار می نماید. او در طی دو مسافرت به خارج در رابطه با موریت‌های سازمانی چهار

بار از مرز گذشته و در طی این مسافرت‌ها یکبار در مرز ایران توسط ژاندارمری با هویت جعلی دستگیر می شود که با طرح محمل‌های مناسب آزادی می شود. بار دیگر در افغانستان در رابطه با هویت جعلی در زمان داودخان دستگیر و بمدت یکماه در آنجا زندانی میشود. رفیق بعداً با طرح محمل مناسب از زندان آزاد و تحت نظر رسمی قرار میگیرد. و با استفاده از فرصت مناسبی قرار می نماید.

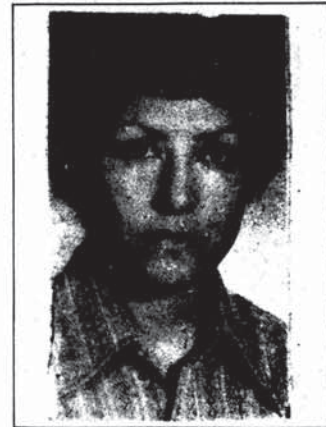
ایدئولوژی و تفکر سازمان مجاهدین خلق ایران که توسط بنیانگذاران اولیه آن تدوین شده بود، چیزی بود که از همان اسناد رفیق بنا توجه به روحیه ضد استثماری و مبارزاتی اش از یک طرف و داشتن طرز تفکر مذهبی از طرف دیگر به دنبالش می گشت از این جهت این سازمان در آن شرایط زمینه رشد خویشی از نظر سیاسی برای پیش‌فراهم می کند. ولی تفکر و ایدئولوژی مجاهدین علیرغم تمامی گیرایش در سیستم فکری مذهبی هرگز نتوانست جلوی حرکت او را گرفته و به بند کند. و سرانجام رفیق با توجه به تمام شناخت و تخریبی که در مبارزه چندین ساله خود علیه امیرالایم و شاه‌ها شن و علیه استعمار بدست آورده بود راه‌های واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان را در ما ر کسیم- لنینیم یافت و به آن کروی د.

رفیق در سال ۵۳ در رابطه با مسئولیت‌های تشکیلاتی مخفیانه به خارج کشور رفت و در این سفر بار دیگر در مرز افغانستان دستگیر و به مدت یکماه زندانی گردید و سپس موفق شد پس از فرار از جنگ ما مورس دولت داودخان از این کشور مخفیانه خارج گردد. او در طی سالهایی که در خارج کشور بود از نزدیک در لبنان و عمان شاهد مبارزات عادلانه فلسطین و فلسطین و عمان بود. وحای حقیقی خود را در خارج کشور به درکنار رفیق طلبان و دلان سیاسی بلکه در رابطه با فعالیت‌های تارکاتی- سیاسی و تبلیغی سازمان درکنار این خلقها توده‌های انقلابی دانشجویان ایرانی می یافت.

در شهریور ماه ۵۶، همزمان با او کبری مبارزات توده‌ها و مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان رفیق مخفیانه و از مرز ترکیه وارد ایران گردید. و از این پس در هدایت و کسترش مبارزه ایدئولوژیک " مبارزه با سبنا و نظرات افکار ناسیونالیست در درون سازمان) علیه رهبری سابق و انحرافات آن و همچنین انتقادات مشی جریکی (مبارزه مسلحانه جدا از توده) نقش فعال و تعیین کننده‌ای بسازی کرد و سهم مهمی در تغییر و تحولات نوین سازمان و زدودن آثار و عواقب انحرافات گذشته بعهده داشت. در جریان پیشرفت مبارزه علیه نظرات گذشته و هنگامیکه بسیاری از عملکردهای نامصحیح گذشته افشا و طرد گردید و رهبری سابق از سازمان اخراج شد و زمانیکه سازمان بیکار رمننا به شمره تلاش بزرگی که رفیق از سازمان از یکسال و نیم قبل در درون بخش منشعب شروع کرده بودند- عملام موجودیت کرد. رفیق درکنار دیگر رفقای پیش بقا لید مبارزاتی خود در درون سازمان بیکار را دا مه داد.

← * * *

مسائل انقلاب را تنها انقلابیون می توانند حل کنند، نه عافیت جویان



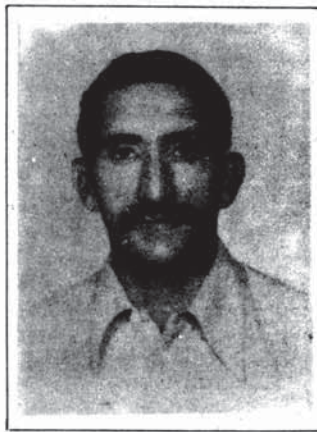
۲- رفیق مهری حیدرزاده

رفیق مهری حیدرزاده در ۱۶ فروردین ماه ۱۳۳۴ در تهران و در خانواده‌ای متوسط متولد شد. در دوران دبیرستان با مطالعه کتابهای سودمند و با تراکرفتن در جریان اخبار مربوط به شکنجه و نقلات بیون در زندان و... ذهن او متوجه مسائل سیاسی گردید. هنگامیکه رفیق در سال ۵۲ در رشته زیست - سیاسی دانشکده علوم دانشگاه تهران قبول و وارد دانشگاه گردید اما مکانات بیشتری برای دنبال کردن مسائل سیاسی و شناخت بیشتر اوضاع و احوال جامعه برای آشنایی فراهم گشت. در همین زمان بود که او با رفیقای آریک محفل مارکسیستی - لنینیستی آشنا شد و به سرعت توانست با مطالعه کتابهای سیاسی - انقلابی و آشنائی با دردها ورنجهای زحمتکشان، شناخت لازم را برای شروع مبارزه جدی علیه رژیم شاه و امپریالسم پیدا نماید. در سال ۵۴ محفلی که رفیق در آن فعالیت داشت توانست با بخش منشیان سازمان محاهدین خلق شانس برقرار نماید. از این پس رفیق زندگی عینی را رها کرد و به همراه رفیق همسرش و دیگر رفقای محفل در سازمان عمومیت پیدا کرد. در ابتدا او بمدت کوتاهی در درون شاخه نظامی در کنار رفیق شهید منیژه افتخاری فعالیت میکرد، سپس در بخش کارگری سازمان مشغول فعالیت گردید، گرچه در آن زمان بدلیل حاکمیت منشی نادرست، رفیق از فعالیت خود در درون طبقه کارگر، بازده زیادی نمی توانستند داشته باشند، ولی رفیق با جدیت تمام مسئولیت های محوله را در این رابطه می پذیرفت و به پیشبرد خط سازمان در این رابطه کمک می نمود. در این دوره رفیق ابتدا تحت مسئولیت رفیق شهید جمال شریفزاده، شیرازی و پس از شهادت رفیق جمال دریک جمع دیگر کارگری فعالیت می نمود.

در رابطه با وظایف تشکیلاتی در شاخه کارگری رفیق مهری حیدرزاده مدتی در کارخانه ترقیه زیبا و کارخانه کفش ملی کار کرد و بدین ترتیب امکان یافت که با دردها ورنجهای کارگران از نزدیک آشنا گردد و وظایف محوله را در میان این رنجبران به

پیش برد. همچنین بعدها رفیق در کارخانه کفش وین نیز مدتی کار کرد. این سه کارخانه از جمله موسساتی بودند که در آن سرمایه داران حداکثر استفاده را از نیروی کار زنان می نمودند و با توجه به همین ویژگی کارخانه، رفیق امکان یافت که هر چه بیشتر با مسائل و دردها ورنجهای زنان کارگر در کارخانه آشنا گردد. و حقیقت ستم دوگانه ای را که در جوامع طبقاتی نسبت به زنان اعمال می گردد، بطور عینی و در محیط کارخانه لمس نماید. این دوره برای رفیق درسهای زیادی به همراه دارد. و بر اساس همین درس ها است که او امروز یکی از اعضای فعال سازمان در زمینه کارسیاسی - تشکیلاتی در بین زنان میباشد. رفیق مهری حیدرزاده در جریان مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان و تجمیع منشی سیاسی یکی از اعضای فعال سازمان بود و با مطالعه و کار تئوریک جدی از یک طرف و استفاده از تجارب کار در میان کارگران توانست در دردمندی چریکی و رسیدن به منشی انقلابی - توده‌ای و اینکه با مبارزه مسلحانه عده‌ای جوان انقلابی و فداکار ریلک با جنگ و قیام مسلحانه توده‌ای است که میتوان رژیم شاه را نابود ساخت، نقش داشته باشد.

رفیق پس از طی مبارزه ایدئولوژیک درونی و اعلام موجودیت سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، به مبارزه بیگانه خود در راه آزادی تمامی خلقهای ایران از تسلط امپریالسم و حاکمیت ارتجاع و آزادی طبقه کارگر از قید استعمار امداد داد.



۳- رفیق مرتضی (حسین) آلا دیوش

بسیاری از هموطنان ما با زندگی مبارزاتی این پیکارجوی انقلابی آشنائی دارند. زندگی رشاد از مبارزه سرسختانه و مبارزه جنايتكار شاه و تجاربی که از این رهگذر بدست آورده، او را بعنوان یک انقلابی مدیق، متواضع و فداکار مبارز از طبقه کارگر و رفقای زحمتکشان در آورده است.

رفیق مرتضی آلا دیوش در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده متوسط متولد شد. از سالهای ۳۲-۳۰ و هم-زمان با نهفت ملی شدن نفت در خانواده او یک جو سیاسی فداکارانه حکمفرما بود و در همان خانواده بود که کم و بیش با مبارزات خلق آشنائی یافت. در سالهای ۴۲-۳۹ که در دبیرستان علوی تهران درس می خواند به طور فعال در جریان مبارزات توده‌ها شرکت داشت. او در تجربه خویش به پیروی شعارهای اصلاح طلبانه و امیدهای واهی ای که برخی از اقشار متوسط جامعه به مبارزات و احزاب آنتروزیست بودند پی برد و مطامع و جستجوی خود را برای یافتن راه درست مبارزه امداد داد. در سال ۱۳۴۳ در رشته طراحی دانشکده هنرهای زیبا قبول و وارد دانشگاه شد. ولی او بهیچ وجه نمی توانست درس خواندن در چنان شرایطی را هدف خود قرار دهد و در جستجوی راه انقلاب پس از آشنائی با سازمان محاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۸ به عضویت این سازمان درآمد. پس از گذراندن آموزشهای اولیه بصورت یکی از کارگرهای فعال این سازمان به مبارزه خود امداد داد. در سال و نیم از فعالیت تشکیلاتی وی میگذشت که در سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و در زندانهای رژیم شاه به ۶ سال زندان محکوم گردید. رفیق در زندان نیز از مبارزه و جستجوی هر چه بیشتر راه حلهای بنیادی مشکلات جامعه دست برنداشت و در سال ۱۳۵۲ در زندان مارکسیسم - لنینیسم، این تنها ایدئولوژی رهائی بخش طبقه کارگر را پذیرا شد. هنگامی که رفیق در زندان بود رژیم شاه خائن ۴ تن از اعضای خانواده وی را به شهادت رسانید (دو برادر و یک خواهر و همسر برادر). پس از ۵/۶ سال زندان در اوایل سال ۵۶ از زندان آزاد شد و در سال ۵۷ به سازمان پیکار پیوست و به مبارزه خود برای آزادی کامل خلقها از قید امپریالسم و حاکمیت آنها و رهایی طبقه کارگر از قید استعمار امداد داد.

بقیه از صفحه ۱۴ توطئه ارتجاع ...

چرا که و بقول خودش به "۷۵ درصد"، یعنی "اکثریت" مردم ایران تکیه دارد و "فاطمیتش" از آنجا سرچشمه می گیرد!

بهر حال در آستانه این انتخابات نسبت به تکوین چنین توطئه‌هایی در مناطق کردستان و گنبد حداقل از جانب جناحهای جنگ افروزرژیم، هشدار می دهیم. بخصوص خلق کرد و خلق ترکمن و نیروهای انقلابی و مترقی این مناطق، وظیفه دارند که به رهبری خود نسبت به چنین توطئه‌هایی بیفزایند و با هشباری و تلاش خود حتی الامکان از شکل گیری چنین توطئه‌ای از جانب ارتجاع جلوگیری بعمل آورند. تمام نیروهای انقلابی و مردم آگاه در سراسر ایران وظیفه دارند که بمنظور آشنائی این توطئه‌ها، حرکات و اقدامات تحریک کننده از سوی محافل و جناحهای معین قدرت حاکم، دست به یک کار آگاهانه - گرانه و افشاگرانه وسیع در میان توده‌های وسیع مردم بزنند تا با رسوا کردن چهره ارتجاع و ضد انقلاب، و با دریدن برده دموکرات نمائی از چهره رئیس جمهور، از بشمار رسیدن چنین توطئه‌های در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی جلوگیری نمایند.

در راه تعمیق هر چه بیشتر مبارزه علیه امپریالسم و ارتجاع در راه تحقق حقوق کارگران و زحمتکشان به کاندیداهای ما رأی دهید!

سیاسی و ایدئولوژیک مجاهدین و نامین نیا زمنی - های نظامی، تبلیغاتی و تدارکاتی سازمان مجاهدین فعالانه شرکت داشت و ما هم در با یکا های انقلاب فلسطین آموزش دید و جنبشهای انقلابی منطقه را از نزدیک شناخت و درس گرفت .
او که خود زمانی یک فرد مذهبی کاملاً معتقد بود و در گروه ایدئولوژی سازمان مجاهدین نقش فعالی داشت و مقالات متعددی در شرح و تدوین ایدئولوژی مجاهدین و تفسیرات قرآن نوشته بود ، سال ۵۴ ما ر کسبیم - لنینیسم را بعنوان تنها ایدئولوژی رها ننده " طبقه " کارگر و دیگر زحمتکشان پذیرفت .

رفیق روحانی در مرداد ۵۴ مخفیانه به ایران مراجعت کرد . دو سال (۵۴) برای برقراری تماس سیاسی - تشکیلاتی با کارگران بعنوان بسک کارگر در کارخانجات تبریز ، زامیاد ، سیتروئن و آرج بکار پرداخت و با مسائل جنبش کارگری و رنج این طبقه زحمتکش که دارای نقش تعیین کننده در جنبش انقلابی مینماید و به دست آشنا شد . از سال ۵۴ تا ۵۷ چندبار بطور موقتی برای انجام وظایف و مسئولیت های تشکیلاتی به خارج سفر کرد و دوبار در معرض خطر دستگیری جدی قرار گرفت که با برخورد انقلابی و هوشیارانه از چنگ دشمن فرار کرد .

رفیق روحانی طی دورانی که مستقیماً با طبقه کارگر ، مسائل و جنبش آن تماس داشت در انحصار فعالیت کارگری و جمع بندی تجربیات جنبش کارگران فعالانه شرکت نمود . عملکردی چریکی و مبارزه مسلحانه جدا از نوده و در مقابل ، درک توده ای از مبارزه مسلحانه برای او عملاً و در پیوند روزمره با مسائل کارگران ، هر چه بیشتر روشن شد . او در مبارزه لایه - شولوزیک درون سازمانی در زمینه خط مئی مبارزاتی و نیز در مبارزه با انحرافات چپ روانه رهبری بخش منشعب نقش فعالی ایفا کرد .

رفیق حسین احمدی روحانی هم اکنون درستگر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ، علییه امیرالایسم و ارتجاع ، علیه استعمارگران و در راه تحقق آرمانهای طبقه کارگر می رزمند

نوعاً انتخابات در این مناطق تحت سوجیهانسی از غنیل وجود " ناآرامی " در منطقه !
المتحنا بر رئیس جمهوری نیز از داخل است در نکوبین این نوطه ها ، سرکار نیست ، اگر نکوبیم که او خود مستیماً در شکل گیری این درگیری ها دست داشته و یا دارد ، حداقل می توان گفت با حملات اخیر خود به خلق کرد و نیروهای سیاسی منطقه و آبراز تا طمعت " از طرف اکثریت ملت ایران ! " در مقابل - جویی با خواست خود مختاری خلق کرد و دیگر خلقها ، خادرا برای فتنه جویی و توطئه گریهای این محافل و جناحهای جنگ افروز برای بعمل در آوردن توطئه - های ارتجاعی و فدا انقلابی خود ماف کرده است . هر - چند که خود جناب بینی صدر حداقل در درآمدت خیال " کوشما لی " دادن به خلقهای بیباک ساخته ایران و به خصوص خلق کرد را در برمی بروراند ، و ابائی ندارد که در سخنرانی هایش نیز آنکارا آن را اعلام نماید .

رفیق حسین احمدی روحانی چهره بارز جنبش انقلابی و کمونیستی ایران کاندیدای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر از تهران



رفیق حسین احمدی روحانی به سال ۱۳۲۴ در مشهد در یک خانواده روحانی متولد شد . تا سال ۱۳۴۰ تحصیلات خود را در دبیرستانهای فردوسی و ملکسی مشهد و سپس در دانشکده کشاورزی کرج ادامه داد و دوره مهندسی بهداشت را در دانشکده فنی تهران بپایان رسانید . در دوره دبیرستان برای نامین کمک هزینه تحصیلی کار میکرد و از بدو ورود به دانشکده در فعالیتهای دانشجویی فعالانه شرکت داشت . در انجمن اسلامی دانشجویان و نیز در نهضت آزادی فعالیت می نمود . بعدها که سازمان مجاهدین خلق ایران بر اساس طرد نظرات اطلاق طلبانه نهضت آزادی و اتخاذ خط مئی انقلابی بنیانگذاری شد ، رفیق حسین روحانی از اولین اعضای این سازمان انقلابی و مبارز (پس از بنیانگذاران آن) بود . و بزودی بعنوان یکی از کارگران فعال سازمان مجاهدین شناخته شد .

در آبانماه ۴۸ برای تماس با شهید " محمود حمیری " نماینده " سازمان آزادیبخش فلسطین " در پاریس ، جهت مقدمات اعزام مجاهدین به پایگا های انقلاب فلسطین به فرانسه رفت و در زمستان ۴۸ به مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران پذیرفته شد . در شهریورماه ۱۳۴۹ برای تحقیق و بررسی وضع ۶ تن از مجاهدین که در سر راه خود برای پیوستن به انقلاب فلسطین در شیخ نشین دبی زندانی شده بودند و چونگی آزاد ساختن آنها ما موریت یافت که به دبی بروید و بنیاد بررسی ها و شناسائی های دقیقی که سوسله " او و چندین فرد دیگر از مجاهدین در خارج کشور تحت رهشودهای سازمان انجام گرفت طرح رسوندن هوا بیما ی ایرانی ا زد بی به بغداد تهیه شد و رفیق حسین روحانی همراه با مجاهد شهید رسول متکین قام و مجاهد صادق سادات در بندی در ۱۸ آبانماه ۴۹ این طرح را با دقت و موفقیت به انجام رسانید .

رفیق که در زندان بغداد درگیری با پلیس فاشیستی عراق ، مسئولیت تشکیلاتی مجاهدین را عهده دار بود ، تحت فشار و شکنجه قرار داشت و بعدها که با واسطه الفتح از زندان آزاد شد و همزمانش مستقیماً به پایگا های فلسطین رفتند ، او برای ادامه فعالیت سازمانی و بر اساس ما موریتی که داشت همراه با مجاهدین شهیدان مغربخ زادگان و علی باکری دزیا ریس فعالیت نمود . پس از شهریور ۵۰ و ضرباتی که به سازمان مجاهدین وارد آمد همرا ه با چند تن دیگر از همزمانش به انجام مسئولیت های انقلابی خویش ادامه داد . تا سال ۵۴ ، رفیق روحانی مسئول تشکیلاتی مجاهدین خلق در خارج از کشور بود و در تدوین کلیه انشازات سازمان مشارکت عمده را داشت . همچنین در زمینه آموزش

کارنا مه ۱۷ سال مبارزه رفیق حسین احمدی روحانی:

- ★ از اولین اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۳۲۴
- ★ عضو مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۳۴۸
- ★ مشارکت در طرح و اجرای عملیات انقلابی هوا بیما ریائی از دبی به بغداد برای آزاد کردن ۶ نفر از مجاهدین آبان ۱۳۴۹
- ★ مسئول تشکیلاتی سازمان مجاهدین خلق ایران در خارج از کشور ۱۳۵۰ - ۱۳۵۴
- ★ پذیرش ما ر کسبیم لنینیسم بعنوان تنها ایدئولوژی طبقه کارگر ۱۳۵۴
- ★ دو سال کارگری در کارخانه های تبریز ، زامیاد ، سیتروئن و آرج و شرکت در مبارزات کارگری ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵
- ★ ایفای نقش فعال در مبارزه ایدئو - لوزیک درون بخش منشعب از س.م.خ.ا و طرد انحرافات آن ۱۳۵۶
- ★ عضو سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران



رفیق قاسم عابدینی کاندیدای سازمان برای مجلس شورای ملی از بروجرد:

رفیق در سال ۱۳۲۸ در خانواده متوسطی در شهر...
سازمان بروجردی مولود شد. دوران ابتدائی و متوسطه را
با کلاس نجم دینیان در زادگاهش گذراند و سپس
برای ادامه تحصیل به تهران آمد. در سال تحصیلی
۲۸-۲۹ در رشته ریاضی دانشکده علوم دانشگاه
تهران پذیرفته شد و در نیمه اول سال تحصیلی
۲۳ - ۲۴ تحصیلات خود را با اخذ درجه لیسانس به پایان
رسانید.
زندگی سیاسی رفیق از چند سالهای ۲۳ - ۲۴
با مطالعه ادبیات و آثار انقلابی مارکسیستی، شرکت
در محفل مطالعاتی و کوهپوردهی در اکبهای چند
نفره آغاز شد. فعالیت بنسبتی با عضویت در کمیته
لیسایم در شهر روستای انقلابی شهر بروجرد و همچنین
وجود آموزشگاران مبارز، در آموزش و پرورش شهرستان
و از طریق ارتباط گیری فعال و نزدیک با آنها
نظارت و حرکات رفیق بتدریج سمت و سوی مشخصی
در جهت آریان و احداث طبقه کارگر بخود گرفت.
فعالیتهای سیاسی رفیق در بروجرد، عمدتاً بمطالعه
کلاسهای مارکسیستی، بحث و آموزش حول اندیشه
انقلابی طبقه کارگر و کوهپوردهی خلاصه میشد. در جریان
همین فعالیتها با برخی از رفقای گروه آریان خلق
(که در آن زمان هنوز شکل نگرفته بود) آشنا شد. هم-
زمان با ادامه تحصیلات در دانشگاه با شرکت فعال در
فعالیتهای صنفی دانشکده و حرکات اعتراضی (تظلم
کرونی انبوس در سال ۴۸ و ۱۰۰۰ تاجربزی) برای
برای مبارزه با نودخت، اما در سالهای سیاه و خفگیان

و در شرایطی که طبقه کارگر و توده های زحمتکش ما
در زیر فشار استعمار روستم سرمایه داری وابسته به
امپریالیسم مشقات زیادی را متحمل میشدند، در
شرایطی که توده های میلیونی خلق و روشنفکران
انقلابی امکان کمترین حرکت اعتراضی را نداشتند،
در شرایطی که در زمان و غارتگران داخلی و خارجی از
میهن ما برای خودبستگی ساخته و آبرو برای کارگر-
ان و سایر زحمتکشان به جهنمی تبدیل نموده بودند
آری در چنین شرایطی فعالیتها صنفی - سیاسی
در دانشگاه و فعالیتها برای برکنار کردن مبارزاتی نمی-
توانستند با سخاو و راضا کننده درخواسته های انقلابی
روشنفکران با شنود رفیق ما نیز از جمله این جوانان
انقلابی بود.
رفیق در آغاز سال ۵۰ - ۴۹ در جهت پیوند با
زندگی زحمتکشان و توده های کارگر از یکسو و فعالیت
سیاسی صرف از سوی دیگر، دانشگاه را رها نموده و
همراه با سایر بردستان و همراهان خود دست بیکار
ایجاد یک تشکل گروهی کردید. در اوائل مرداد ماه
سال ۵۰ بدلیل ارتباط با یک محفل روشنفکری مورد
شناسائی قرار گرفته دستگیر شد. دو خیمان ساواک که
از فعالیتها و روابط رفیق هیچگونه اطلاعی نداشتند
پس از اینکه با مقام و مت رفیق در زیر شکنجه مواجه شده
و نتوانستند کوچکترین اطلاعی از روابط و فعالیتها
و رفقای دیگرش بدست بیاورند و را خود دو ماه بعد
آزاد نمودند. رفیق در زندان با بنی مبارزه مسلحانه
جریکی آشنا شده و آبرو بعنوان یگانه راه و روش خط منی
انقلابی در مبارزات دمکراتیک و فدا میربا لیستی
خلقهای ایران تشخیص داده و پس از آزادی از زندان
بمنظور آماجگی و ارتباط گیری با انقلابیون حرفه ای
فعالیت مبارزاتی خود را بشکل نیمه مخفی - نیمه
علنی ادامه داد. هجوم و بیکرد فاشیستی رژیم شاه
و حملات دهنشانه به سازمانهای مسلح ایجاد جو
حقان پلیسی، امر ارتباط گیری رفیق را بسیار
سازمانهای مسلح تا سال ۵۴ بتعمیق انداخت و
رفیق قاسم عابدینی در دیماه این سال هنگامیکه بعنوان
افسر وظیفه در پادگان عزت آباد خدمت اجباری خود
را میگذراند، از ارتش گریخت و برای خدمت بخلق به
همراه برخی از رفقای همزم خود به بخش منشعب از (م.م.
ج. ۱۰) پیوست و فعالیت مخفی - انقلابی خود را به
طور حرفه ای ادامه داد. دو هم اکنون نیز بعنوان یکی
از اعضای سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
به فعالیت انقلابی در جهت تحقق آرمان طبقه کارگر
توده های زحمتکش جامعه فعالیت مبارزاتی خود
ادامه میدهد و بعنوان کاندیدای توری نمایندگان
مجلس شورا از جانب سازمان معرفی شده است.
پس از ورود رفیق به بخش منشعب از (م.م.ج. ۱۰)
رفیق در تیم نظامی و سپین شاخه کارگری به
فعالیت پرداخت. هنگامیکه رفیق عضو تیم نظامی
سازمان بود، طرح اعدام انقلابی به مستشار آمریکائی
معدومین "روبرت کروون گارد"، "ویلیام کاترل" و
"دونالد اسمیت"، که از مهم ترین مستشاران نظامی
امپریالیسم خونخوار آمریکا در نیروی هوائی ارتش
فدخلی شاهنشاهی بودند در دستور قرار گرفت. رفیق
همراه تیم عملیاتی در روز ۶ شهریور ۵۵ در این عمل

بقیه از صفحه ۱۲ روشن برنا به ...
۳۳ - ایجا در روابط سیاسی و اقتصادی با کلیه
کشورها براساس تناسل هم منقلب و عدم مداخله در امور
داخلی بگذرد.
۳۴ - ایجا در روابط و مناسبات با کلا دوستانه
با کشورهای سوسیالیستی و انقلابی و جنبش های
آزادبخش جهان.
۳۵ - پشتیبانی و حمایت کامل از احزاب و
نیروهای کمونیستی و انقلابی سرتا سرچنان، مبارزات
طبقه کارگر منورهای امپریالیستی و خلقهای تحت
سلطه وستم امپریالیسم جهانی و رژیمهای ارتجاعی
وابسته به آن و کشورهای روبرویونیت.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

شبه‌ای از زندگی مبارزاتی و انقلابی کاندیداهای ما، در تبریز



رفیق محمد رنجبر طالاری پور

رفیق محمد رنجبر طالاری پور در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری در شهر تبریز متولد شد. دوران کودکی و نوجوانی را در محیطی آکنده از فقر و رنج گذراند و آنگاه که به ریشه‌های اصلی بیداریش فقر و استثمار پی برد، با تکیه بر یادشولوزی طبقه کارگر بسط مبارزه علیه رژیم پادشاهی شاهنشاهی و ستم طبقاتی برخواست.

رفیق محمد در بهار سال ۵۲ در خالیکه دو سال از مبارزه او علیه رژیم پهلوی شاه می گذشت در حبس بخش اعلامیه دستگیر و به دو سال زندان محکوم شد. رفیق پس از گذراندن دوران امارت در اوایل سال ۵۴ از زندان آزاد و در بهار همان سال به بخش مشعب (از.س.م.خ.ا) پیوست.

رفیق محمد در ادامه مبارزه خود برای آنکس که تعامی توانش را علیه رژیم پادشاهی شاه و امپریالیسم بکار گیرد، در فروردین سال ۵۵ زندگی مخفی را برگزید و از آن پس مدتی برای سرقراری ارتداد سیاسی - تشکلاتی با طبقه کارگر در کارخانه های درختان، ساکا، اسم مفتول، بارس به کارگری پرداخت. کارگرانی برای او تجارب بسیاری در بر داشتند. آشنائی از نزدیک و بیش از او در دوران کارگران، کینه طبقاتش را صیقل داد و او را برای مبارزه علیه سرمایه داری وابسته و امپریالیسم مصمم تر ساخت، جمع بندی از وضعیت کارگران، آشنائی با نظرات آنها، و عینی شدن نسبت به طرز تفکر اکثریت کارگران همه و همه دستاوردهائی بودند که رفیق علیرغم حاکمیت مشی جریکی توانست به آنها دست یابد.

رفیق محمد در جریان قیام مسلحانه بهمن ۵۷ همراه توده های میلیونی خلق و در کنار مردم مبارز تبریز در حمله به کالانتوری ۴ واقع در خیابان حکم آباد تبریز مسلحانه شرکت کرد و امروز نیز برای پیروزی آرمان طبقه کارگر و در راهائی خلق از قید ستم استثمار به پیکار خود ادامه می دهد ■

۱۸ سال مبارزه رفیق جلیل سید احمدیان با رژیم خونخوار شاه:

- ★ شرکت در مبارزات سالهای ۴۰ و ۱۵ خرداد ۴۲
- ★ طرد در فرمیسم نهضت آزادی ۱۳۴۴
- ★ پیوستن به مجاهدین خلق ۱۳۴۶
- ★ اعزام به پایگاههای انقلاب فلسطین، آموزش نظامی و انقلابی و تحمل زندان در دبی و بغداد ۵۰-۱۳۴۹
- ★ بازگشت به ایران و دستگیری ۱۳۵۰
- ★ ۷ سال مبارزه در زندانهای متعدّد تهران، بزازجان، شیراز و سنندج و آبدیدگی در کوران مبارزه و نینل به مارکسیسم - لنینیسم
- ★ عضو سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳۵۷

این است کارنامه انقلابی رفیقی که کاندیدای ما از تبریز می باشد.

سخت زندان این شیخ نشین گذراند، او و دیگر هم - رزمان مجاهدش مقاومت چشمگیری را از خود نشان دادند. رژیم شاه و حکومت ارتجاعی و استعماری دبی که به فعالیت سیاسی آنها و علاقمندی آنها به جنبش انقلابی فلسطین ظنین شده بودند، ترتیب تحویل آنها به ایران را دادند. یک هواپیمای ایرانی قرار بود آنها را از دبی به ایران ببرد ولی فعالیت پیگیری سازمان که با دقت و هشاری تمام و رعایت مسائل امنیتی صورت گرفته بود، در راه نجات این زندانی انقلابی سرانجام بشمر رسید. سه نفر از مجاهدین یکی مجاهد شهید رسول مشکین قام و دیگری رفیق حسین احمدی روحانی و یکی دیگر از مجاهدین (محمد صادق دربندی) پس از شناسائی های زیاد و حمل اسلحه و مواد منفجره بداخل هواپیمای، هواپیمای را از مسیر خود منحرف کرده به سمت بغداد دزدیدند.

رفیق جلیل سید احمدیان در قریب ۲ ماه همراه با همزمانش در زندان بغداد گذراند و سپس دستنه جمعی با واسطه سازمان الفتح آزاد گردیدند و در پایگاههای انقلاب فلسطین در خارج عراق مستقر شدند. دوره آموزش نظامی ۲ ماهه و نیم طول کشید و پس از بقیه در صفحه ۱۵



رفیق جلیل سید احمدیان

در سال ۱۳۳۳ در یک محله فقیرنشین تبریز در خانواده ای کم درآمد متولد شد. در سالهای جنبش ملی به رهبری دکتر محمد نجات شیرگرا پیش سیاسی خانواده اش در حمایت از این جنبش، با مسائل سیاسی تا حدی آشنا شد. پس از سقوط حکومت ملی صدق و بدتر شدن اوضاع اقتصادی اقشار فقیر و متوسط جامعه همراه با خانواده در تهران ساکن گردید. موقع ضد رژیم و مبارزاتی او بدیل همین شرایط سخت اقتصادی حاکم بر خانواده اش طی سال های پس از کودتای ۲۸ مرداد همچنان حفظ و تقویت گردید.

رفیق در مبارزات ضد دولتی سالهای ۳۹ تا ۴۲ بطور فعال شرکت کرد. در این زمان نهضت آزادی ایران "عده" زیادی از جوانان انقلابی و پر شور را به راههای فرمیستی مبارزه می کشاند و رفیق نیز در خط کار همین جریان فعالیت داشت. او در بهار ۱۵ خرداد ۴۲ فعالانه شرکت نمود. در سال ۴۲ وارد رشته راه و ساختمان دانشکده فنی تبریز شد. و در راه با فعالیت مبارزاتی، توانست بین محفل سیاسی که در آن فعالیت می نمود، با مجاهد شهید محمد حنیف نژاد در سال ۴۴-۴۳ ارتباط برقرار کند. از این پس توانست با راههای فرمیستی مبارزه، که نهضت آزادی مبلغ آن بود قطع رابطه نماید، و به انقلاب بعنوان تنها راهی خلق بپا نهد. رفیق در سال ۱۳۴۶ به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست. آموزش سیاسی و یادشولوزیک و تشکیلاتی او در این سازمان ادامه یافت. در تیرماه سال ۴۹ همراه با عده ای دیگر از همزمانش در سازمان مجاهدین برای گذراندن یک دوره نظامی در پایگاههای انقلاب فلسطین از کشور خارج گردید. طی اقامت در شیخ نشین دبی که همراه با یکی از فعالیت های تدارکاتی و امنیتی بود با پنج نفر دیگر از همزمانش مورد سوءظن پلیس دبی که به شدت بوسیله کارشناسان ساواک هدایت می شد گرفتار و به زندان افتاد. از اوایل مرداد ۴۹ تا ۱۸ بهمن همان سال در شرایط

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

یار وفادار زحمتگشان رفیق محمد خلیلی کاندیدای سازمان ما از سنندج



یار دلیر زحمتگشان رفیق شهین (مهوش) قادری دوست کاندید سازمان ما از سنندج



رفیق محمد خلیلی عضو سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در سال ۱۳۲۹ در شهر سنندج بدنیسی آمد و از همان دوران کودکی با فروتنی که بر تنه داشته و با استعدادهای خلق کرد، رومی شود، آشنا شد. در سال ۱۳۵۰ از دبیرستان فارغ التحصیل شد و در سال ۱۳۵۱ بعنوان سپاهی دانش در روستاهای اطراف ما بخدمت مشغول گردید. در اینجا و با توده‌ها در آمیختن و در کنار کارکنان روستایی با دهقانان به افشاکاری رژیم ضد خلقی شاه‌خائن پرداخت، صمیمیت و ایمانی که وی به توده‌ها ابراز می‌کرد، بزودی باعث جلب اعتماد روستائیان منطقه گردید.

آشنائی نزدیک رفیق با ستوا و استقامتی که توده‌های دهقان تحمل می‌کردند، باعث شد که او درک عمیق تری از مفهوم مبارزه طبقاتی بدست آورد. بعد از پایان یافتن دوره سپاهی در سال ۵۵ به استخدا موزارت آموزش و پرورش در آمل و بعداً بعنوان معلم روستا، به کار در روستای بسطام از توابع سنندج، قادر آباد و تیلکواز توابع ایران‌شاه سقز پرداخت. زندگی در کنار روستائیان، مشاهده زندگی مزارت با روستاهای و ظلم و جور که خوارن و دولت ضد خلقی شاه‌خائن بر توده‌های دهقانی وارد می‌آوردند، کینه طبقاتی او را نسبت به دشمنان خلق عمیق‌تر کرد. زندگی با توده‌ها به او آموخت که باید نسبت به دشمنان خلق ما لامل از بغیرت و کینه بود و در راه‌ها آنگاه که مبارزه برخاست، آومی آموخت که این مبارزه دشوار است و بدون آگاهی و تشکلی توده‌ها نمی‌توان سخن از پیروزی به میان آورد. به همین دلیل بر فعالیت افشاکران و تبلیغی خود، افزود. اما زندگی با توده‌های دهقانی اگر چه بسیار آموزنده بود، لیکن رفیق بدرستی به این نتیجه رسیده بود که توده‌های دهقان به تنهایی نمی‌توانند در مبارزه خونین طبقاتی پیروز شوند و برای ابتکار لازم است با طبقه کارگر متحد شوند. اتحاد کارگران و دهقانان و رهبری انقلابی کارگران بر توده‌های تحت ستم، تنها راه پیروزی بر نظام سرمایه داری و استبداد مپریالیسم و ارتجاع است. از این رو در تابستان ۵۴ و ۵۵ در تهران و شیراز بیکار در کارخانه‌ها و شرکت‌های ساختمانی پرداخت، مزدی که به او می‌دادند کمتر از آن بود که کفاف زندگی را بدهد، اما در عوض او به قدرتی با پای و لایزالسی که در اندیشه با زوان طبقه کارگر وجود دارد، پیسی برده بود، از اینرو تصمیم گرفت از شغل اداری استعفا دهد و برای همیشه به کارگران بپیوندد.

رفیق در آبان ۵۵ در شرکت لاستیک سازی بسی اف، گودریج بعنوان کارگرفتنی استخدام شد و از همان آغاز فعالیت در فعالیتهای صنفی - سیاسی کارگران شرکت کرد. صمیمیت، صداقت و شوری که او از خود نشان میداد، اعتماد و احترام رفقای کارگش را به همراه داشت. این خود امکان مناسبی فراهم می‌کرد تا رفیق بتواند مبارزه کارگران را ارتقا دهد. همزمان با او جکیری مبارزه توده‌ها در سال ۵۷ او به سازمان نهدی و هدایت مبارزه کارگران کارخانه پرداخت و اعتماد بکارگش را در آبان ۱۴

رفیق شهین قادری دوست عضو سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در سال ۱۳۳۱ در سنندج مولد شد و پس از گذراندن دوران تحصیل ابتدائی و متوسطه در سنندج، در سال ۵۱ بعنوان سپاهی دانش در روستای بورد سنندج بخدمت پرداخت. هم‌رستی با رجمت کسان برای اودر سپاهی زیادی به همراه داشت و از سربندی رانای اخلاص طبقاتی و ستمی که بر رجمتکسان حاکم می‌رود آشنائی نمود.

رفیق شهین در سال ۵۴ وارد دانشگاه تبریز گردید و در دوره شاه به ادامه تحصیل پرداخت. او در تبریز نیز نتوانست از توده‌های محروم فرزندان آنها جدا بماند. از اینرو کار معلمی را در روستای ترا ملک (آذربایجان شرقی) ادامه داد. وی همواره از توده‌ها می‌آموخت و به آنها تیر آموزش می‌داد. ارتباط رفیق با زحمتگشان آذربایجان، عشقش را به توده‌ها و تفرش را به رژیم سرکوبنده و مغفوریپهلوی ستمگر می‌کرد. رفیق شهین چند سالی در دبستانهای ترا ملک، تبریز و بیرونی اعتماد می‌نماید و با توده‌های محروم تبریز تدریس پرداخت. هم‌وزدانش آموزان روستائی سنندج و آذربایجان رفیقیت پر شور و با طبع صمیمانه‌اش را با آنها بیاد داد. بیاد دارد که چگونه در دوران خفگان و دیکتاتوری سیاه پهلوی با آنها ارتباط نزدیک و در عین حال مخفیانه برقرار می‌کرد و در مقابل توهینها و خطرات بی‌شمارانه مزدوران رژیم در مدارس هر چه بیشتر در پیشرفت آگاهی دانش آموزان خود کوشش می‌نمود و هرگز نمی‌ترسید از فعالیت با زنی استاد.

رفیق به دانش آموزان خود یاد می‌داد که به چه علت پدرتان بیکار است و برای چه در مواقعی هم که کار می‌کنید با فقر و بی‌سوزی جیر، خسته و در مانده است! و... او در دبستان خباثی با رها و بارها توسط یکی از مزدوران رژیم در مدرسه مورد تهدید قرار می‌تواند در صفحه ۱۴

کارخانه سازمان داد. کارفرما مزد و وانش که او را عنصری "خطرناک" تشخیص داده بودند در آذرماه ۵۷ از کارخانه اخراج کردند، اما رفیق ارتباط خود را با کارگران کارخانه همچنان حفظ کرد. با بخش اعلامیه بحث و سخنرانی برای رفقای کارگش سعی می‌کرد تا آگاهی آنها را بالا ببرد. در مدتی که بیکار شده بود به همراه دانشجویان مبارزی که برای افشاکاری به کارخانه‌ها می‌رفتند، در میتینگها و نظرات کارگش - دانشجویی شرکت می‌کرد و هر فرصتی برای افشای ماهیت رژیم شاه‌خائن و آشنا کردن زحمتگشان با حقوق با مال شده‌شان، استفاده می‌نمود. او در اثر مبارزه‌ای که رفقای کارگش برای او کردند با ردیگر در کارخانه (بی. اف. گودریج بیکار پرداخت و فعالیت علنی خود را آغاز کرد. وجود او چون خاری در چشم کارفرما و مزدورانش میرفت، آنها از هیچ کوششی برای آزار و اذیت وی خودداری نمی‌کردند، اما جرات اخراج وی را نداشتند. رفیق در قیام ۲۲ بهمن تهران همراه رفقای کارگش فعالیت شرکت جست و در کنار سایر بر توده‌ها در تخریب دکانها و کسلا - نتری ها بیکار نمود.

پس از قیام کارفرما و مدیران وابسته و مزدوران نشان با استقرار رژیم جمهوری اسلامی، لباس زهد و پارسائی به تن کردند و با تحمیل و تحریک بخشی از کارگران تا آنگاه که نسبت به ماهیت رژیم توهیم داشتند، دست به توطئه و عوا مغربسی زدند. در تیر ماه ۵۸ رفیق را مجدداً به اتهام "مداخلاتی بودن" از کارخانه اخراج کردند. به این ترتیب او مدتی بیکار ماند.

رفیق در جریان تهاجم ارتجاع به کردستان، بسیاری خلق کردستان و در کنار آنها برای رسیدن به خواسته‌های عادلانه‌شان به سازماندهی نظرات مردم و افشاکاری علیه جنگ افروزان و باندهای مرتجع منطقه پرداخت. تا اینکه روز ۲۶ مهر بسویله پاسداران دستگیر شد. اما مردم سنندج که او را می‌شناختند، با برپائی میتینگ و نظرات پر شور خواستار آزادی وی شدند. در نتیجه پاسداران ناگزیر به آزادی او شدند. وی پس از ۶ روز اسارت با ردیگر به غوش خلق بازگشت.

رفیق احمد خلیلی با روبا و زحمتگشان اینک با هدف دفاع از منافع طبقه کارگر و زحمتگشان و توضیح خواسته‌های عادلانه کلیه خلقها و افشای تمامی مترجمین و لیبرالهای خائن و همدستان آنان در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت میکند.

رئوس برنامه حداقل

مقدمه

کارگران! زحمتکشان! خلقهای قهرمان ایران!

دیگران که هیچگاه طرفدار مبارزه ولومخدوم هم رژیم شاه نبودند. آری، تمام عناصر افرادی که در دولت موقت پیشین، شورای انقلاب کنونی قدرت را در دست دارند کمابیش مثل اینها هستند و فرقی با آنها ندارند. رهبران خرد بورژوازی هم با افتادن به دنبال بورژوازی و سازش با آنها و علیرغم وعده و وعیدهای فراوان به مردم، در خدمت بورژوازی قرار گرفته و به مردم پشت کردند.

بنابراین بسیار طبیعی است که چنین دولت موقتی چنین شورای انقلابی که بدست مستقیماً از نمایندگان سازمان لبرال و وابسته تشکیل شده و با ازکسانی که در خدمت آنها قرار گرفته اند، نمی توانست و نمی تواند نمایندگی مردم و خواسته های آنان باشد.

خواسته های انقلابی توده ها و وقتی تا مین می شود که نمایندگان انقلابی آنها که کوچکترین سائزی با امپریالیستها و نظام مدمردمی سرما به داری وابسته نداشته باشند، در راه انقلاب قرار گیرند، مسأله با رها گفته ایم که فقط طبقه کارگر و حزب او است که می تواند انقلاب دموکراتیک و فدا میبرالیستی را به پیروزی قطعی برساند و خواسته های توده های خلق را تا مین نماید. هر نیروی غیر از آن و هر حزبی غیر از حزب طبقه کارگر مسلماً با انقلاب ربه شکست می کشد و با نود با بصورت نیم بند و فرمیستی آنرا فقط می کند و اما تا مین خواستهای و مطالبات سیاسی و اقتصادی کارگران، زحمتکشان و سایر اقشار خلق جز از طریق دولت جمهوری دموکراتیک خلق که در مبارزه سرنوشت ساز زنده میز خلقهای قهرمان ایران برهبری طبقه کارگر با امپریالیسم و سرما به داری وابسته به آن، بوجود می آید، امکان پذیر نیست. این دولت انقلابی از آن جهت که نماینده واقعی تمام زحمت کشان و توده های خلق ستمدیده ماست، می تواند به نحو با بنده ای به تمام خواستهای و حقوق دموکراتیک و فدا میبرالیستی خلق، در این مرحله از انقلاب پاسخ گوید، و راه را به بهترین شکلی برای تحقق انقلاب سوسیالیستی آماده کند.

ما در بهمن ماه با ل پیش خواهشهای اساسی توده های قیام کننده را در بر نامه حداقل خود ارائه نمودیم. اینک با توجه به تغییر و تحولات یکساله اخیر، رئیس این خواستهای را بصورت برنامه حداقل خود اعلام می داریم.

رئوس برنامه حداقل

نابودی نظام سرمایه داری وابسته

- ۱ - معادله و ملی کردن کلیه منابع و موسسات مالی، صنعتی، کشاورزی، معدنی، بازرگانی و خدمات امپریالیستی و سرما به داران و زمینداران بزرگ و وابسته.
- ۲ - افشا و القای کلیه قراردادهای امپریالیستی در زمینه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی.
- ۳ - اخراج کلیه مستشاران نظامی، فنیسی و

جاسوسی امپریالیستها و مزدوران داخلی آنها. ۶ - دستگیری، محاکمه و مجازات کلیه افراد و وابستگان به رژیم گذشته و تمامی مرتجعین و حامیان امپریالیسم.

ایجاد نظام دمکراسی توده ای

۷ - شورای های انقلابی خلق (شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان و...) که در جریان مبارزات انقلابی توده ها، در درون کارخانجات، محلات، روستاها و... با گرفته و ایجاد می شوند، پایه و اساس خاکمیت توده ای را تشکیل می دهند.

۸ - شورای مرکزی انقلابی خلق، مرکب از نمایندگان منتخب شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان و سایر اقشار خلقی در سطح کشور، عالیترین ارگان نظام دموکراسی توده ای می باشد.

۹ - شوراهای انقلابی خلق در کلیه سطوح کشوری (ده، بخش، شهر، شهرستان و استان)، عالیترین ارگان نظام دموکراسی توده ای در آن ناحیه خواهند بود.

۱۰ - دولت جمهوری دموکراتیک خلق، توسط شورای مرکزی انقلابی خلق، تعیین و زیر نظر این شورا و نظارت قوه مجریه را بر عهده خواهد داشت.

۱۱ - ایجاد ارتش مسلح خلق، مرکب از زمینداران مسلح توده ای برای دفاع از دستاوردها و پیروزی های انقلاب و مقابله و دست در برابر تجاوزات امپریالیستها و سرکوب کلیه نیروهای ارتجاعی داخلی که بر علیه دولت انقلابی اقدام میکنند.

پی ریزی نظام اقتصادی بر پایه منافع کارگران و زحمتکشان

۱۲ - وظیفه برنامه ریزی اقتصادی، مانعیت و کنترل کلیه منابع و موسسات بزرگ مالی، صنعتی، کشاورزی، معدنی، بازرگانی و خدمات بر عهده و در اختیار دولت انقلابی خواهد بود. دولت انقلابی موظف است که سمت گیری سوسیالیستی در اقتصاد را بمنظور پی ریزی ثابوده نظام سوسیالیستی آینده کشور مراعات نماید.

۱۳ - حمایت از سرما به داران ربه ای کوچک در چرخه رونق برنامه ریزی اقتصادی دولت انقلابی و جلوگیری از ورود محصولات خارجی که امکان تولید آن در داخل وجود دارد.

۱۴ - اقدام فوری به برقراری نظارت و کنترل از طرف شوراهای انقلابی کارگران بر تولید اجتماعی و توزیع محصولات و نظارت بر تدوین قانون کار انقلابی.

۱۵ - معادله راضی، باغها، نهرا، قنوات و جاهای آب متعلق به زمینداران و مالکین بزرگ و واکداری آنها به شوراهای انقلابی دهقانان.

۱۶ - تا مین کمکهای مالی و فنی به شوراهای انقلابی دهقانان و خرید محصولات کشاورزی از شوراهای با قیمت مناسب و جلوگیری از ورود کالاهای متاسبه از خارج کشور.

۱۶/۱ - تشویق خرده مالکان به ایجاد تعاونیها و تولید و کمک های لازم به آنها.

۱۶/۲ - لغو تمامی بدهی های دهقانان بدولت، مالکین بزرگ و سرما به داران.

بقیه در صفحه ۱۳

سازمان مجاهدین خلق در دام توهنات لیبرالی

● برخلاف نظر نادرست رهبری سازمان مجاهدین، بین‌اندیشی صدرویان حزب جمهوری اسلامی اختلاف کفی وجود ندارد. هردو پانده‌داری ماهیت طبقاتی یکسان بوده و سرزمینه سرمایه‌داری وابسته عمل میکنند

● سازمان مجاهدین خلق با اتخاذ سیاستهای رفرمیستی و توهم انگیزیش از پیش از مکرکراسم انقلابی فاصله مکنند.

در قبال انتخابات مجلس چه باید کرد؟

در حال حاضر مسئله انتخابات مجلس شورا مطرح است. مومع مادرم از این انتخابات چه باید باشد؟ خوب است که با بدر این مناره انتخاباتی شرکت فعال نمود. چرا؟ و آنچه هدفی؟ کمونیستها می - دانند که انقلاب با ناسودا سخن دستگاه دولتی ارتجاع سیرمی ناسودپارلمان با مجلس نیز جزئی از دستگاه دولتی شوروزای است که از جانب قدرت حاکم به منظور تحکیم بیشتر قدرت و فریب مردم بکار گرفته میشود. ولی کمونیستها این را نیز می دانند که در شرایطی که ما در آستان یک انقلاب قرار داریم و در شرایطی که موده‌های بسیاری از مردم ما نسبت به قدرت حاکم موجود و مجلس او اعما دارند، با هدف انشاء انقلاب و توطئه‌های ناهنگامی مختلف آن در درون رژیم و نیز زوس نمودن افکار مردم و تریبب انقلابی بوده از طریق این افکار گریها، باید در مجلس شرکت نمود.

بوده‌ها را با بدر تجربه مستقیم خودشان ارتقا دادوا ر جمله در طی همین تجربه ما هیت مجلس را نیز ملا با حهوا میدکادب مردم را نسبت به دستگاه شوروزای اریس بود. بنا بر این با توجه به ما هیت شوروزای مجلس با بدر آن شرکت کرد و مجلس را نیز به عرصه‌ای (اگر چه فرعی) از مبارزه آشکار طبقاتی تبدیل نمود. رفرمیستها و سازشکاران مجلس را عرصه اصلی مبارزه

بحساب می آورند و شرکت در آن را هدف یا ابزار اساسی تحقق اهداف خود قرار می دهند. حال آنکه انقلاب - بیون پیگیر عرصه اصلی مبارزه را صحنه نبرد طبقاتی و ابزار اصلی تحقق اهداف خویش را مبارزه انقلابی نوده‌ها و انقلاب قهرآ میز میدا نند.

بدین ترتیب با دورا و به دیدگاه ملا متفاوت می - توان به مجلس و شرکت در آن نگاه کرد: یکی از مواضع استوار و انقلابی و دیگری از موضعی ناپیگیر و سازشکارانه.

امروز در جامعه ما در سطح نیروهای سیاسی این دورا و به دیدگاه ننگالی یافته است. بنحوی که انتخابات مجلس شورا موجب شده تا استواری و توهم برخی نیروها ابعاد جدیدی بخود بگرد. سیاستی که این نیروها در رابطه با مسئله انتخابات مجلس اتخاذ نموده‌اند، اشکالی از ناپیگیری طبقاتی آنسان بوده و چنین سیاستی جز ضربه زدن به انقلاب و دموکراسی تیسیم پیگیر حاصل دیگری ندارد. چنین سیاستی منجر بدان می گردد تا نوده‌ها بیش از پیش در توهم لیبرالی فرورفته و در نتیجه قربانی مثنی شوروزای گردند. در حقیقت این سیاست اشراقی بمناب به پلی میان دموکراسی پیگیر و لیبرالیسم شوروزای می باشد. بشمار می آید و در تحلیل نهائی این سیاست در خدمت شوروزای می باشد.

انحرافات مجاهدین در قبال شوروزای و مجلس شوروزای

در حال حاضر سازمان مجاهدین خلق با اتخاذ سیاستی رفرمیستی و توهم انگیزیش از پیش از دموکراسی انقلابی فاطله می گیرد. چنین سیاست - هائی عملاً زمینه ذهنی نوده‌ها را از آشتی ناپذیری نسبت به شوروزای خالی نموده و آنان را قربانی توهنات می نماید. برای اینکه سخن ما در حدیک حکم باقی نما نمود رعین حال بها نه بدست رهبری این

سازمان جهت فحاشی نسبت به ما ندهد (بویژه اینکه در حال حاضر تحریف و فایع و دروغبیرا کنی کم و بیش بیک شیوه رهبری مجاهدین تبدیل شده است) می - کوشیم تا با اشکاء به نقطه نظرات این سازمان در قبال شوروزای و بنا بنده آن و نیز مجلس شوروزای سیاستهای راست روانه این نیروی دموکرات را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

۱ نقطه نظر مجاهدین در قبال شوروزای

در سزما لث شریبه "مجاهد" سازمان مجاهدین - بدورا زیک تحلیل علمی و طبقاتی مطرح میکنند: "فعل انقلابی، جمعیت قلب راست و بسیاری عوامل اجتماعی، سیاسی و روانی ناسودا - دیگر در مجموع باعث منسو ندگه تلف اجتماعی و سیاسی نیروها نفع قلب مانه تحول پذیرد و بدین کوبه میدان آرمایش تاریخی سپار غلطی در برابر آقای سنی مدرک شوده میشود." (شماره ۲۲، ۱۶ بهمن ۵۸)

ما از مجاهدین می پرسیم هر کدام از "قطب" های مورد نظر شما مبین حرکت و منافع کدام طبقه اجتماعی است؟ و آیا "قطب" میان "به نمایندگی بنی صدرا ز نظریه طبقاتی تفاوتی کیفی با "قطب راست" دارد؟ آیا این دو قطب، قطب واحد شوروزای بنی باشد؟ بنظر ما امروز در سطح جامعه بیش از دو قطب اساسی موجود نیست. اول قطب دموکراسی با انقلاب و دوم قطب لیبرالیسم با ضد انقلاب. "قطب" میان "شما، با قطبی ما و او" طبقاتی است (که چنین امری محال

است) و با فطسی متعلق به شوروزای می باشد. از آنجا که هیچ نیروی فوق طبقاتی وجود ندارد. از آنجا که مثنی و سیاست و عملکرد "قطب" میان "شما جز در جهت منافع شوروزای قرار نداشتند و ندارد. "بنی" - صدر و "قطب" او در حبه شوروزای و ضد انقلاب قرار داشته و دارد. درست است که جناحهای مختلف شوروزای سیاستهای متفاوتی می توانند اتخاذ نمایند ولی این تفاوت در سیاست و روش نفی کننده ماهیت طبقاتی یگانگی این جناحها و هموشی حرکت آنسان نمی تواند باشد.

بنی صدر

و نظرات لیبرالی مجاهدین درباره او

"بنی صدر" یک شوروزا - رفرمیست است که در شرایط بحران همه جا نده ما معه در بی آنتستنا به فریاد پرما به داری وابسته موجودید. او با طرح شمارهای عوام فریبانه ای چون: "نراه سوسیالیسم، نراه سرمایه داری، بلکه راه اسلام"، در بی آنتستنا اساس و ننها سرمایه داری را از زیر ضربات زخمسد مبارزه طبقاتی و انقلاب محفوظ نگاه دارد. "آتما بین تاریخی" بنی صدرا بجای دستبیدلات و اطلاعاتی در چهار - چوب نظام سرمایه داری وابسته می باشد و این راه جزا ه با ساداری از سرمایه داری چیز دیگری نیست و بنا بر این جزا ه وابستگی روز افزون به امپریالیسم چیز دیگری نمی باشد.

ولی با توجه به این مسائل رهبری سازمان مجاهدین به استقبال آقای بنی صدر می رود. نشریه مجاهدان ما می دهد:

"نیروهای امیل انقلابی همچنانکه از روزا و انقلاب سیرمی گفتند، اعلام آمادگی میکنند تا در چها رجب بر ما انقلابی و حق طلبانه - شان از آقای سنی صدرا استقبال کنند. آنها آرزو مندند که آقای سنی صدرا فاطله های نظری را که تا کنون بین خود و فطرب راست شان داده فاطله در عمل سیر فاطله "مجاهد" مثل شتهای امپریالیستی به سرور و نیا برآید. آنها آرزو مندند که آقای سنی صدرا سبجوجه در دام ارتجاع و لیبرالیسم سفند و الا اساس قدرت و با به حکومت خود را سیر مترزل خواهد نمود. و حیرا چندان دوامی در آینده خواهد داشت. (همانجا، تا کیدات از ما است.)

دیدگاه عمیقاً راست روانه و سنا و توهم انگیز فوی بر آنتستکه:

۱ - بنی صدر "فاطله های نظری" منخمی سس خودو "قطب راست" بوجود آورده است.

۲ - بنی صدر می توان در عمل فاطله امجا کامل سسهای امپریالیستی" معودنا بد.

۳ - بنی صدر در "دام ارتجاع و لیبرالیسم قرار ندارد.

۴ - بنی صدرا اساس قدرتش ارتجاع و استحکام بر خود دارد است.

فعل از هر چیزی با دنگوشیم که نیروهای کمونس - راسسین هیچگاه اعلام آمادگی برای استقبال از بنی - صدر شوروزا - رفرمیست نگرده اند و بدین امر اصرار میکنند و بلکه این شما بودید که با بر لربلات خود به استعمال او رفته‌اند. بنا بر این سلاتن سکنده مواج راست روانه خود را به نیروهای انقلابی و کمونس - نسیم و نسبت دهد. و سزما لثکه همما نظور که در مسون

می خواند. او بهیچوجه به افشا و الغای هزاران قزاق - دادا میربالیستی نمی بردا زدودریک کلام او اس مناسبات ستمگری و وابستگی به امپریالیسم راست خورده نگاه می دارد ...

حال آیا بنی صدریک دموکرات و غذا میربالیست می باشد؟ آیا این حرکات بمعنای "فالمه های نظری و عملی بنی صدریا" قطب راست" می باشد؟ آیا این واقعات خشن نشان نمی دهد که او برای صعود به "قله محاکم" کامل ستم های امپریالیستی "نمی تواند کوشش بعمل آورد؟ و از طرف دیگر سا زمان مجاهدین به چه مجوزی چشم خورا بر روی این همه خیانت می بندد و مردم را دچار توهمات می پاید و اساس می کند؟ سا زمان مجاهدین به چه مجوزی ماهیت لیبرالیسم و فدا انقلاب را پرده پوشی می کند؟ سا زمان مجاهدین چرا سنت انقلابی و خویش دیروز را قربانی امتیازات و سربا فردا می نماید؟

مجاهدین بکمک بورژوازی می شتابند

نیمی از مردم ما که در مسازره خود لیبرالیستی چون بازرگانها را به کتار زده بودند، آنجا که کاملا به ماهیت بنی صدرواقف نبودند به او رای دادند. ولی مطمئن باشیم که نگونگه زقیان ما به اندیشه توهمات بخش مهمی از مردم نسبت به هیئت حاکمه فروریخت زمانیکه ایده های انقلاب هر چه بیشتر در میان توده مردم نفوذ کند زیر پای آقای بنی صدر، این رئیس جمهوری عوام فریب بورژوازی نرسرعت ست و متزلزل خواهد شد. هوزر هجک فراموش نگردد است که تنها یکسال پیش از این، میلیونها نفر از توده های ما درسرا سراسران، و در شهرها و روستاها برای افتادند و بخاطر توهمی که دادند قزاقها زدند؛ بازیکان نخست وزیر ایران و "بازرگان مودرتا شمسید ماست" اما چند ماه بعد چه شد؟ کمونسسها و رجبها سا زمان ما از زمان ابتدا ماهیت بازرگان را سید توده ها توضیح دادند و در حدود دفروریختن توده توده ها نقش بازی کردند. امروز نیز همین طبعه در مورد بنی صدر مصداق پیدا میکنند و ما از این وطن سید استقبال می کنیم. ولی متاسفانه مجاهدین خلیج بجای استقبال از فروریختن روزافزون توهن بوده ها و بر ملا شدن بیشتر چهره فریبکاران خرسیده در قدرت همچون بنی صدر، نگران آنند که صا دا باید قدرت بنی صدر متزلزل شود و فروریزد!

مجاهدین ادا می دهند :
" ... ما هرگز نگفته ایم و بنی گوئیم که آقای بنی صدر را چنین و چنان خواهیم کرد. بلکه بعکس می گوئیم اگر آقای بنی صدرواقف انقلابی و مردمی عمل کند، یک ایران آزاد و مستقل سازد، در مقابل زور و ستمگری که داخل وجه اجزای ایستادگی کند، و مهمتر و مهمتر از همه پایکاها، روابط و قرارداد های امپریالیستی را بر ملا و افشا سازد، حتی ما نیز هر غرض و مرضی هم که فرغ داشته باشیم، دست آخر هیچکارتی توانیم بکنیم. مگر می شود در برابر اراده، خالق و خلق که مستقی سرآرادی و استقلال و اسلام اصیل و انقلابی است مقاومت ورزید ؟ ... " (هما نجا، تانگیدات زماست) در اینجا اگر چه رهبری سا زمان مجاهدین می - کوشد با "گرومگر" ها تزلزل خورا بسبب توده ها

اغاده حیثیتی می کند و به آنان فرصت می دهد تا در رادیو - تلویزیون و مطبوعات سا نور زده به دفاع از حیثیت ناپاک و فدا انقلابی خود بپردازند. او علیه خلق کرد توطئه های جدید می چند و جنبش این خلق را تجزیه طلب و انمود می سازد. او در ترکمن صحرا به جنگ افروزان خدمت کرده و آنجا رالانه "فماد" خوانده و انقلابیون را دشمن خود معرفی می نماید. او هافران مبارز متحمن در دانشگاه هرات دیده به اجزای ارتش ضد مردمی اش میکند و بنا بر زیا دا عضا بآن را می - شکند. او در مقابل عملیات ارتجعی چون آتش زدن ۶۰۰۰۰ نفر به مجاهد و حمله به نیروهای مترقی و کمونیست و در سبب بودن ۱۸۰۰ زندانی سیاسی سکوت می - کند و سکوت در مقابل چنین اعمالی معلوم است چه معنائی دارد. او با فرم با نکی اش عمدتاً به باری سرما به ازاران می شتابد و کارگران را به "نظم" بورژوازی و با در حقیقت به دست کشیدن از مبارزه فرا

ما معتقد هستیم که مبارزه با ندمترجمین چون بهشتی ها و یزیدی ها و لیبرالیهای خاشنی چون بازرگان ها و نیروهای امپریالیستی نمی تواند با انکا به بورژوا - فریب سببها می چون بنی صدرها صورت گیرد. این مبارزه فقط و فقط با انکا به توده ها و نیروی انقلابی آنان میسر است. ما به وعده و وعده ها و عنایت "بالائی ها" چشم نمی دویم و به تعاقبات بیباستها و اختلافات درون هیئت حاکمه، اگر چه در مدنظر داریم، ولی تکیه نمی کنیم. ما به مبارزه طبقاتی توده ها و قیل از هر چیز به مبارزه طبقاتی طبقه کارگر چشم داشته و بر آن تکیه می نمائیم. چرا که می دانیم این تنها طبقه کارگراست که می تواند بدون هیچ سایش و تزلزل تا قله محاکم و تا بودی ستمگریهای سرما به - داری و باستها و امپریالیسم به پیش رود. چرا که می - دانیم این تنها طبقه کارگراست که پیگیر تریس - مبارز در راه کسب دموکراسی و استقلال است. بر این اساس می گوئیم تا دموکراتیسم پیگیر و انقلابی را در میان توده ها برده و آنان را از فریب بورژوازی و توهمات لیبرالی بیرون بیاوریم و به هم خویش راه انقلاب شکوهمند فردا را هموار سازیم.

ولی سا زمان مجاهدین با سیاست راست روانه خود به تداوم این فریب و توهم کمک می رسانند. چرا؟ زیرا مجاهدین می گویند که:
"آزومندند که آقای بنی صدر بهیچوجه در دام ارتجاع و لیبرالیسم نیفتد و الا اساس قدرت و پایه حکومت خورا نیز متزلزل خواهد نمود". (هما نجا)

مجاهدین خلق به نمایندگی بورژوازی نصیحت می کنند تا در دام ارتجاع و لیبرالیسم نیفتد و سپس دلسوزی میکنند که اگر چنین امری اتفاق بیفتد، اساس قدرت رئیس جمهور متزلزل میشود! مجاهدین واقعبند طبقه ای بنی صدرا پرده پوشی کرده و به او حالت فوق طبقاتی می دهند و جبهه بنی صدرا که همان جبهه "ارتجاع و لیبرالیسم" می باشد را در نزد توده ها پنهان می سازند و توهم توده را نسبت به نمایندگی بورژوازی عملا تقویت می نمایند. مجاهدین یک کلام نمی گویند که "پا به حکومت" بنی صدر برپا به نا آگاهی توده های مردم و توهم آنان استوار است. مجاهدین به قدرت و دولت بنی صدر حقا نیست می بخشند

اشاره کردیم، میان بنی صدر و امپریالیسم و حزب جمهوری اسلامی و سردمداران انحصار طلب و مرتجع آن تفاوتها می گمانا می افتد. مختلف آن است وجود دارد. ولی آنچه که اساسی است این است که هر دو با ندفوق دارای یک ماهیت طبقه ای بوده و هر دو با ندمترجمین سرما به داری و باست عمل کرده و در پی آنند تا در آینده نیز عمل نمایند. بر همه کس روشن است که از قیام ما به امپریالیسم ندمترجمین چه خوب هیئت حاکمه بهیچوجه علیه انقلاب توده ها و جنبش طبقه کارگر حرکت نموده اند. برخلاف نظرا نحرانی رهبری سا زمان مجاهدین "فالمه های نظری" بنی - صدرودیگران نه فالمه بین ترقی خواهی و فدا انقلاب است، بلکه تفاوت در چگونگی سرکوب جنبش خلق و چگونگی اداره نظم سرما به داری و باست به امپریالیسم است و آنجا که بنی صدر جزیک مثنی سور - زوای چیز دیگری نیست، مطمئن باشید علی رغم تمام عوام فریبی ها و دغل کاری ها هرگز و هرگز - بنی - صدروبا رانش نمی توانند در عمل تا "قله محاکم" کاملا شتم های امپریالیستی "صود کنند و مبارزه فدا میر - بالیستی را در عمل اثبات نمایند. و نه تنها نمی - توانند این کار را انجام دهند، بلکه علاوه مطمئن باشید و حریبان تا آتی بطور مشخص تر نشان خواهد داد که راه بنی صدر، راه بازرگان است، راهی که برش از نظام وابستگی نمی باشد، و همچنین حوادث بعدی با وضوح بیشتر نشان خواهد داد که سا زمان مجاهدین مدد بورژوازی استفاده خویش را از شما بنمایند، شما را نیز مورد سرکوب خود قرار خواهند داد.

جنبش "صموات و خوابهای شیرینی" تنها از کسانی سرمی زند که فریب بورژوازی را خورده اند. در حقیقت چشمک های جناحی از هیئت حاکمه و بسوی قدرت آنچنان رهبران سا زمان مجاهدین خلق را از خود بیخود کرده است که آنان نه تنها تمام مخا نتهای بنی صدر بنی صدر قریل و بعد از ریاست جمهوری را فراموش کرده اند، بلکه نا آتجابه پیش رفته اند که در میان توده مردم بنا درست تبلیغ میکنند که در عصر امپریالیسم بورژوازی "تا قله محاکم" کاملا ستمهای امپریالیستی می تواند به پیش رود! بله، بورژوازی دام می - کسترد و سا زمان مجاهدین با پای خود وارد مهلکه می گردند.

آیانی صدر ضد امپریالیست است؟!

ما برای آنکه نشان دهیم تا چه میزان مجاهدین از خود نا بیگیری نشان داده و دچار توهمات لیبرالی گشته اند نشوین برخی از حرکتها و عملکردهای بنی صدر را ذکر می کنیم :

اول آنکه بنی صدرا آنجا که از ابتدای امر در "شورای انقلاب" بوده و یکی از وزیران جمهوری اسلامی بوده در تمام جناسبات و مخا نتهای هیئت حاکمه شریک و یار و مددکار سا برپا ندهای موجود در آن بوده است.

دوم آنکه پس از رسیدن به مقام ریاست جمهوری بنی صدر پیوسته در خط فدا انقلاب عمل کرده است. نمونه ها می از حرکت بنی صدر بدین فرارند : بنی - صدروها ن "سرومان دادن" به مناسبات "دوستانه" با امپریالیسم آمریکا است. او در مورد شرکت در کنفرانس آمریکا می اسلام آباد توافق داشته است. او به پاری لیبرالیها و جاسوسان خاشن و رسوا می - چون بازرگان، امپریالیست و میناچی می شتابد و از آنان

آیت‌الله خمینی است و توده عوام از آن پشتیبانی می‌کند، دارای مشروعیت می‌باشد.

مگر نه اینکه هر تصمیم مهم دولتی درباره سرکوب مردم و انقلابیون (کردستان، ترکمن صحرا) و نیز علیه آزادیها، دموکراتیک و حقوق مردم توسط "شورای انقلاب" صورت گرفته است؟ مگر نه اینکه اگر قراردادها، اسارت‌ها یا رباها نخواستند و الفاشیسم نوردند، شورای انقلاب و دولت بوده است؟ مگر نه اینکه "شورای انقلاب" بار و مددکاران لیبیرالها را رسوا کرده است؟ پس این ارگانها دارای کدام مشروعیت است؟ اگر "شورای انقلاب" دولت حمایت مردم است، آنگاه رباها خود دارد، این امر بهیچوجه دلیلی بر حقانیت و قانونیت آنها نمی‌باشد. "شورای انقلاب" جز فریب، تیرنگ و توطئه علیه انقلاب کار دیگری انجام نمی‌دهد. وبهین خاطر چنین ارگانها شایسته برای توده انقلابی بهیچوجه دارای مشروعیت نیستند.

در حقیقت مشروعیت کاذب بخشدن به دولت و "شورای انقلاب" حمایت از بورژوازی و اقدامی کاملاً انحرافی و بضرر انقلاب مردم می‌باشد. سازمان مجاهدین با این اقدام خود منززل و توهم خود را نسبت به بورژوازی نشان می‌دهد. شاید یکسانی باشند و بگویند که این یک تاکتیک است که آنها به نام ملی ما می‌گویند. این امر عوام فریبی است و کتمان نمودن حقیقت از چشم مردم می‌باشد، یونانیند حقایق برای گرفتن امتیاز از بورژوازی است. از طرف دیگر تحلیل کا ملا انحرافی مجاهدین نشان می‌دهد که آنان چقدر از خشکای پشرفته جنبش توده‌ای عقب هستند که می‌گویند توده‌ها "صبر برداری" تمام نخواهد شد. در باخ ما می‌گوئیم خلق کرد، خلق ترکمن و سایر توده‌های آگاه خود ببلند شده و حتی مبارزه خونینی برای کسب حقوق حقه، خویش به پیش می‌برند زیرا بورژوازی علیه آنهاست.

آیا مجلس راه کسب استقلال و آزادی است؟

حال که مجاهدین به "مشروعیت" دولت بورژوازی اعتقاد دارند، هدف خود را از شرکت در مجلس توضیح می‌دهند. آنان در تشریح مجاهد می‌نویسند: "اگر نتوانستند نیروهای اصیل و انقلابی را زودتر خارج کنند، آینده ایران مسیر دیگری خواهد داشت. این یک انتخاب است معمولی نیست. انتخاب میان این کاندیدا و آن کاندیدا نیست، بلکه انتخابی است میان جامعه و راه. طبقاتی سرمایه‌داری وابسته و ارتجاعی از یکطرف و جامعه و راه حل فداستفاری توحیدی و انقلابی از طرف دیگر."

(شماره ۲۳، ۲۴ بهمن ۵۸، تاکید از ماست) ما بارها از دیدگاه علمی توضیح داده‌ایم که مجلس در شرایطی که سرمایه‌داران بر سر کار هستند، در زمانی که دولت، ارتش و دستگاه‌های سرکوب دیگر از آن سرمایه‌داران است، مجلس نیز می‌تواند به یکی دیگر از ابزارهای همین طبقه استثمارگر می‌باشد. سرمایه‌داران همیشه سعی میکنند مردم را فریب

کرده است. چنین سیاست راست‌روانه در مقابل قدرت حاکم این انتظار را در نزد توده‌ها بوجود می‌آورد که اهداف انقلابی آنان توسط یک نیروی خدا انقلابی و فریبکاری نمی‌تواند تحقق یابد. و بعد از آن زمان مجاهدین در مقابل بورژوازی و مانورهای او آنچنان دچار از خودباختگی و عجز شده که می‌گویند ما علیه بنی صدر "چنین و چنان" نخواهیم کرد و این امکان را می‌گذارد که بنی صدر مظهر "راده خالق و خلق" گردیده و بنا بر این مطرح می‌نمایند "ما هیچکاری نمی‌توانیم بکنیم". ما از رهبری سازمان مجاهدین می‌پرسیم شما می‌گویید این چنین بنی صدر اعتماد داشته و منتظر معجزات او هستید، چرا برای ریاست جمهوری به او رای ندادید؟ شما در برابر بورژوازی آنچنان دچار از خود بیگانگی و توهم شده‌اید که گمان می‌کنید وحتماً در پی آن هستید تا "چنین و چنان" نکنید و با واقع در برابر بنی صدر و دولت بورژوازی اودست‌از‌پا رها نکنید. آیا این اظهار عجز و ناتوانی رهبری در مقابل بورژوازی توهین بیک سازمان انقلابی و تحقیر توده‌های انقلابی این سازمان شما رزمی است؟ رهبری مجاهدین باید پاسخ گوید!

۲ نقطه نظر مجاهدین در مقابل مجلس بورژوازی:

زحمتگان تصویب شود. نمایندگان واقعی مردم بلندگوهای مردم در مجلس خواهند بود و بدون هیچگونه سازش و منززل امیربالیستها، مرتجعین و لیبیرال‌های خائن و رسوا را افشا خواهند نمود. بنا بر این دشمنان مردم مخالف ورود نمایندگان مردم می‌باشند. آنان توطئه‌ها و تکان‌لترائی‌های متعددی خواهند کرد تا مجلس در انحصار خودشان باقی بماند. این امر طبیعی است چون نیروهای لیبیرال و ارتجاعی دشمن انقلاب مردم هستند. اینان میخواهند مردم در ناآگاهی باقی بمانند تا به خاکمیت تحمیلی و ارتجاعی خود ادامه دهند. اینان که علیه منافع مردم هستند هیچگونه حقانیتی ندارند و بدین خاطر می‌خواهند با از طریق زور مردم را خاموش کنند و با از طریق دیگر مردم را فریب دهند. در این ارتباط اینان می‌خواهند مجلس بزاری در دست فقط خودشان بماند تا با دروغهای خودکاران، دهقانان و سایر توده‌ها را گول بزنند.

آیا دولت و "شورای انقلاب" دارای مشروعیت می‌باشند؟

دومین نکته اینکه مشروعیت نداشتن با قانویت و حقانیت نداشتن یک نیروی است که لترائی آن نیرو خلاصه نمی‌شود، از نظر هر نیروی انقلابی قانونیت نداشتن یک نیروی است که به نام "شورای انقلاب" دارد، یعنی اگر آن نیرو انقلابی باشد و در خدمت مردم و انقلاب باشد قانونیت و مشروعیت دارد، والا غیر این برای مجاهدین قبل از آنکه بخوانند نیروی مورد نظر خود را بر اساس یک نمودار تکان‌لترائی (قضاوت کنند) باید ما به سمت طبقه‌ای آنرا بر ملا سازند. سومین نکته اینکه ما سوال می‌کنیم آیا "شورای انقلاب" و دولت که عملاً در دست لیبیرالها، عناصر وابسته، قشربون جنگ افروزان و نمایندگان است دارای مشروعیت و قانونیت می‌باشد؟ جواب مجاهدین مثبت است، ولابد دلیلشان هم اینست که مثلاً چون "شورای انقلاب" مورد تائید

برای خود را هفتراری باز نگذارد، ولی سیاست عمیقاً راست‌روانه توهم‌انگیز و کاملاً نمایان است. سازمان مجاهدین بدون توجه به ما به سمت طبقه‌ای بورژوازی بنی صدر چنین الفای کند که "بواقع انقلابی و مردمی" می‌تواند عمل کند و می‌تواند استقلال و آزادی ایران را به ارمغان آورد. ممکن است سازمان مجاهدین ایراد بگیرد و بگوید که ما کشته‌ایم: "اگر چنین شود، چنان می‌شود". ولی در پاسخ باید گفت ما به سمت بورژوازی مشروط نیست، ما به سمت بورژوازی یکی است. با این ما به سمت اجازه سده که بنی صدر "مردان انقلابی" باشد و قاطعانه علیه امیربالیسم مبارزه کند و با این ما به سمت ملا فاقید چنین جوهر انقلابی می‌باشد. از آنجا که ما به سمت بورژوازی مداخله انقلابی است با صراحت تمام و روشنی کامل باید توده‌ها را نسبت به این ما به سمت آگاه نمود و آنان را از اسبدهای بورژوازی خلاص نمود. باید از طریق ارتقاء آگاهی طبقاتی و فریب مبارزاتی توده‌ها را سکوفان نمود. بنا بر این زمانیکه "اگرها" ردیف می‌شود، این امر نشانگر آنست که مجاهدین نسبت به ما به سمت بورژوازی، خود دچار توهم و دولتی بوده و "سراب" قدرت در کنار بورژوازی آنان را شسته خود

خال که مجاهدین چنین نظرات نادرستی در تنال بورژوازی و نماینده آنان دارند، روشن است که کسرا را انحرافات بس مهم دیگری نیز باشد. واضح است که سرمایه‌داران و جاسوسان آمریکا و احزاب رطلیان که در هیئت حاکمه کنونی موجودند تمام کوشش خود را بکار می‌برند تا نمایندگان واقعی توده‌ها را سرکوب کنند و با سرکوبی و انقلاسیون از جمله سازمان مجاهدین خلق نتوانند به مجلس بروند. چون آنان میدانند که کمونیست‌ها و انقلابیون دیگر داخل مجلس راه پیدا کنند، مشکلات بسیاری برای دولت سرمایه‌داران و امیربالیستها بوجود خواهد آمد. اگر نمایندگان واقعی مردم به مجلس بروند سعی خواهند کرد تا تمام توطئه‌ها را افشا کنند، کوشش خواهند کرد تا قوانین ارتجاعی دولت علیه حقوق مردم را افشا نمایند و نگذارند این قوانین تصویب شود، سعی خواهند کرد تا آنجا که امکان دارد برخی قوانین رفاهی و مترقی بتفیع

مجاهدین در تشریح مجاهد می‌نویسند:

"... اگر بخوانند در راه مشارکت نیروهای انقلابی بیش از این انگالترائی، و ایجاد مانع کنند، به تنها مشروعیت خود، بلکه سرکوبداری توده‌های محروم را نیز بر سر آورده و در آینده نزدیک گورکن سیاسی و اجتماعی خود خواهند شد."

(شماره ۲۳، ۲۴ بهمن ۵۸)

اولین نکته اینکه تقدیر مجاهدین در لفظه و با ابهام حرف می‌زنند که کمتر مواردی میتوان گیر آورد که طرف مورد انتقاد آنان شخصی و روشن باشد. در اینجا آنچنانکه از فحواهی کلام مجاهدین برمی‌آید، منظور از نیروهای انگالترائی دولت، "شورای انقلاب" و تا به دم "حزب جمهوری اسلامی" و غیره می‌باشند.

بقیه از صفحه ۹ نشوس برناممه...

تامین رفاه عمومی زحمتکشان

- ۱۷ - ایجا دکا ردا شم و متاسب برای همه کارگران
- ۱۸ - جلوگیری از کاراظلال و کهنسالان
- ۱۹ - تامین حد اقل دستمزده متاسب با هزینه و سطح زندگی
- ۲۰ - تامین حقوق اوقات بیکاری، بیماری، ازکارافتادگی و بازنشستگی
- ۲۱ - برقراری ۴۰ ساعت کار و روز تعطیل در هفته و یکماه مرخصی سالیانه
- ۲۲ - تامین مسکن رایگان، از طریق مصادره کلیه واحدهای بزرگ ساختمانی و اراضی شهری متعلق به سرمایه داران بزرگ و وابسته و کمک سرمایه - گذاری دولت انقلابی در این زمینه
- ۲۳ - تامین بهداشت و درمان رایگان
- ۲۴ - تامین آموزش رایگان از سطح کودستان تا دانشگاه و اجباری بودن آموزش تا پایان دوره راهنمایی
- ۲۵ - اسکان عمائیر و تامین شرایط مساعد کار (کشاوری و دامداری و...)، بهداشت و آموزش رایگان برای آنها

تامین حقوق و آزادی های دموکراتیک برای خلق

- ۲۶ - تضمین آزادی تشکیل و فعالیت احزاب، جمعیت ها و سازمانهای سیاسی انقلابی و مترقی
- ۲۷ - تضمین آزادی تشکیل و فعالیت سندیکاها، اتحادیه ها و سایر سازمانهای صنفی و سیاسی مترقی و انقلابی
- ۲۸ - تضمین آزادی تشکیل اجتماعات، تظاهرات، راهپیمایی، اعتصاب و تحصن برای نیروهای خلقی
- ۲۹ - تامین آزادی عقیده، مذهب، بیان، قلم و مطبوعات مترقی و انقلابی و رفع هرگونه تبعیض قومی و مذهبی
- ۳۰ - تامین برابری کامل حقوق زنان و مردان در کلیه زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
- ۳۱ - برانداختن هرگونه ستم ملی و شناسایی حق خلقها در تعیین سرنوشت خویش، اتحاد و طلبانه و برادرانه خلقها از طریق برقراری خودمختساری خلقها در چارچوب ایرانی مستقل و دموکراتیک به مفهوم واگذاری حق اداره کلیه امور منطقه به شورای مرکزی انقلابی خلقها، بجز امور مربوط به برنامهریزی عمومی اقتصاد، تجارت خارجی، دفاع ملی و سیاست خارجی که به عهده دولت انقلابی مرکزی است
- ۳۲ - تامین حق رای همگانی مساوی، مستقیم و مخفی در انتخابات نمایندگان شوراها و انقلابی خلق در کلیه سطوح کشوری

اتخاذ سیاست خارجی مستقل و متکی بر منافع طبقه کارگر و خلقهای ایران و سراسر جهان

بقیه در صفحه ۶

در برگیرنده افراد لیبرال مرتجع و نمایندگان خرده بورژوازی که عملاً دنباله روشدند، بسود و قوا نیستی که تصویب گردد خدمت انقلاب خلقهای ایران نبود. بنا بر این مجلس وسیله ای در دست طبقه کارگراست تا از یکطرف مردم را فریب بدهد و از طرف دیگر قوانین ارتجاعی را برفع ضدا نقضی تصویب نماید و روشن است که بورژوازی هر وقت هم خواست من توان در مجلس را ببندد و تا تک و شوب را مستقیماً علیه مردم بکار نگیرد.

راستروی مجاهدین در کجاست؟

عمل میکند، در زمانی که سرمایه داران برسریار هستند، در زمانی که ارتش خلقی و فرما ندهان مزدور آمریکا وجود دارند، آیا در چنین زمانی می توان از طریق مجلس و کسب اکثریت آرا (تازه اگر ممکن باشد)، سنسور کثورتا تغییر داد، یعنی کشور را از وابستگی در آورد و به آن استقلال بخشید؟ آیا بورژوازی براضی اجازه می دهد که نیروهای مردمی از او طلب مالکیت بکنند و او را از قدرت کنار بزنند؟ در شیلی امپریالیستهای آمریکا سعی و نوکرا نشان بر سر آلسنده چه آوردند؟ آیا این حرفها شبیه همان نغمه های شوم فرمت طلبان و رویزیونیستهای خاش حزب توده نمی باشد؟ این راه "راه گذار رسالمت آمیز"، راه همان کسانست که در فرهنگ مارکسیستی - لنینیستی به آنان رویزیونیست و مرتدمی گویند. این راه، با راه طرفداران انقلاب یعنی کمونیستهای واقعی و انقلابی بیون دموکرات کما ملا متخاد است. این راه حتی در تضاد با سنت انقلابی خود سازمان مجاهدین خلق است. آری تا زمانی که ارتجاع در ایران ما حاکم است، تا زمانی که امپریالیستها در ایران نفوذ دارند، تنها راه آزادی و استقلال واقعی انقلاب توده ها ست و نه مجلس سرمایه داران.

دهند و آنان را متقاعد سازند که استشاری رگران افرادی "نیکوکار"، "مردم دوست" و "قانون پرست" میباشند. و برای این هدف علاوه بر مطبوعات، رادیو تلویزیون مجلس را هم در دست خود دارند. در زمان شاه خاشتن "مجلس شورای ملی" پر بود از نمایندگان سرسپرده و فریبکار سرمایه داران و وابسته و ملاکین مزدور، قوا - نینی که در آن تصویب میشد همگی در خدمت امپریا - لیسم و سرمایه داری وابسته بود.

در زمان جمهوری اسلامی "مجلس خبرگان" عمدتاً

حال ببینیم درک راست روانه و فریبستنی مجاهدین از مجلس چیست؟ آنان می گویند این انتخابات "انتخاباتی است میان جامعه و راه طلبهای سرمایه داری و وابسته و ارتجاعی از یکطرف و جامعه و راه طلب ضداستشاری و توحیدی و انقلابی از طرف دیگر" مفهوم جمله بالا چیست؟ منظور آنان اینست که اگر نیروهای انقلابی به مجلس بروند "ایران مسیر دیگری پیدا خواهد کرد، زیرا جامعه به سمت "راه طلبهای ضداستشاری و توحیدی و انقلابی" سوق پیدا میکند. یعنی جامعه ایران از سرمایه داران و وابسته و ورشده و به استقلال و آزادی می رسد!

آیا این سیاست جزیک سیاست کما ملا سازگارانه و اصلاح طلبانه چیز دیگری می باشد؟ آیا این سیاست با سیاست لیبرالها فرقی میکند؟ لیبرالها و سازکاران هم می گویند "همه کارها" از طریق مجلس قابل حل می باشد و لازم نیست مناسبات کهنه و دستگا هست و استشاری را روشن انقلابی نابود گردد بلکه با بدروش مناسبات آمیز داشت و از طریق مجلس معضلات راحل کرد.

مسئله اساسی اینست که زمانی که نظام اقتصادی کشور در دایره سرمایه داری و وابسته به امپریالیسم

نتیجه گیری ما چیست؟

دهد. آیا سازمان مجاهدین این مسئله را نمی داند و یا می داند ولی منافع سازمانی و امتیازات آتشی حکم میکنند تا در برابر توطئه بورژوازی سکوت نماید؟ کدام یک؟

حال با توجه به چنین واقعیتی، نیروهای چپ ازگانندیداهای مجاهدین با توجه به گرایشات لیبرالی درمی ویرنا مه این سازمان، می بایست حمایت مشروط بکنند. آنان باید نشان دهند که برناممه حداقل نشان و حرکت انقلابی شان از برناممه و حرکت مجاهدین قاطع تر بوده و دارای مضمونی بیکبرمی باشد. آنان می بایست به مبارزه علیه انحرافات سازمان مجاهدین بمتظور دور نمودن آنان از قطب لیبرالیسم ادامه داده و در جهت تحکیم سنگر دموکراتیک و قطب نیروهای انقلابی با تمام قدرت بکوشند، و در عین حال نیروهای چپ راستین باید بطور فعال از گانندیداهای چپ پشتیبانی و حمایت نمایند و بیش از هر زمان دیگر همبستگی خود را نشان دهند. عدم سرخوردگی به چنین امر مهمی جز فریب زدن به دموکراتیکم انقلابی حاصل دیگری نخواهد داشت.

در دوره اخیر حرکت سازمان مجاهدین خلق نشان میدهد که سیاست آنان نسبت به سیاست لیبرالیستی متمایل شده است، ارائه درکی راست روانه و توهم - انگیز نسبت به انتخابات ریاست جمهوری، همکاری با لیبرالهایی نظیر "حاج سید جواد" در چارچوب "شورای معرفی گانندیداهای انقلابی و ترقیخواه"، ارائه نظری کما ملا راست روانه و انحرافی در باره مجلس و هدف شرکت در آن و... نمودهای روشنی از این تمایل لیبرالی است. مجاهدین در این انتخابات با تالیبرالهایی چون لاهیجی پشتیبانی و حمایت میکنند ولی از انقلابیون کمونیست که پیگیرترین مبارزین راه آزادی هستند حرفی بمیان نمی آورند. این امر دلیل برجیست؟ آیا دلیل بر این نیست که مجاهدین خود را نسبت به بورژوا - لیبرالها نزدیک تر می بینند تا انقلابیون کمونیست؟ و یا به معنای دیگر این سیاست آیا بمعنای آن نیست که رهبری سازمان مجاهدین تمایل بیشتری به بورژوازی نشان میدهد تا طبقه کارگر؟ امروز بنی - صد فریبکاری رسمی گوشه تا با نزدیک کردن سازمان مجاهدین بخود و اولامیان نیروهای انقلابی تفرقه اندازد و تا نیا کمونیستها را مورد حمله و سرکوب قرار

توطئه ارتجاع در کردستان در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی

عوامل ارتجاع و امپریالیسم در تلاشند تا با ایجاد درگیری خونین در مناطقی مانند کردستان و سپس لغو انتخابات در این مناطق مانع ورود نمایندگان نیروهای انقلابی و مترقی به مجلس شورای ملی شوند.

کنند. در همین زمان کویا ستونی با تجهیزات یک تپ (پا سدار، جاش های مزدور، ارتش) وارد سیجار شده اند و قصد حمله به دیوان دره را که در سر راه (سفر) سنج قرار دارد دارند. و این احتمال وجود دارد که بمحض رسیدن ستون از کامیاران به سنج، پادگان سنج حمله ای را آغاز کند.

این اخبار و حرکات تکرار کننده توطئه گرانه، که مخصوص اعلامیه اخیر لشکر ۲۸ سنج مبنی بر به اصطلاح آزادی مردم و ایجاد دماز امت برای ارتش توسط عناصر مسلح، ابعا آن را برجسته ترمی کند، حاکی از احتمال شکل گیری یک توطئه خونین و ضد انقلابی در آستانه انتخابات است.

هیئت حاکمه با تصویب قانون رسوای دوم مرحله ای کردن انتخابات مانعی در برابر ورود نمایندگان نیروهای انقلابی و مترقی به مجلس شورای ملی ایجاد کرده است. لیکن این ترفندی می دانند که در مناطقی مانند کردستان و بانه، این قانون نیز برای اوشتری نخواهد داشت. از همین روست که محافل جنکا فروردین هیئت حاکمه در تلاشند تا از طریق دیگر این سد مانع را بوجود آورند. ایجاد بحران همه جا تبه در منطقه برادر شریک درگیری خونین و سپس تپیه در صفحه ۴

آن ساهافکننده است. حالتی که بسیار شکننده بوده و میتوان اندرا شرا داد متوطئه چینی ها و اجبار خلیفگی ترکمن به دفاع متقابل در برابر ارتجاع تحمیلی ارتجاع منظور حفظ دستا وردهای انقلابی خود، به سمت گسترش یک درگیری همه جا تبه و سراسری خونین در منطقه تسکته شود.

اکنون در کردستان نیز چنین حالتی در حال شکل گیری است و هرآن میتوانیم منطقه ویا شهرهایی از منطقه را به انجا ریکتا ندود و دیگری از درگیری مسلحانه را به خلق کردتحمل نماید.

مطابق اخباری که از این مناطق رسیده است، این توطئه ها از جانب جنک افروزرژیم (باند جمران، سران مزدور ارتش، سپاه پاسداران، جاشها، مفتی زاده و مزدوران) صورت می گیرد. جناح هائی که اگر چه پیوسته در صددها من زدن به بحران و بوجود آوردن درگیری در منطقه بوده اند، لیکن اکنون به ویژه در موعدا انتخابات به این حرکات خود شدت بخشیده اند. مطابق این اخبار در چند روز گذشته (و هم اکنون نیز) وضع سنج بحرانی بوده است. لشکر سنج همداروآ ماده باش داده است. هلیکوپترهای ارتش در فاصله پاشینی بر فراز شهر بیروز می -

با ردیکر کردستان آستن حوادث خونینی است ارتجاع استرا رنیز همانند گذشته موعدا انتخابات را برای توطئه چینی و ایجاد حوادث خونین را انتخابات کرده است. ساسا با بوجود آوردن یک بحران خونین در منطقه ارتجاع کردستان نیز همان در انتخابات و تریاند نمایندگان واقعی خود به مجلس جلوگیری عمل آورد.

در مرداد ماهه سرتیپا حم جدا انقلابی هیئت حاکمه سیدمسی ارتجاع منطقه در آستانه انتخابات مجلس خیرگان آغاز گشت که هدف عاجل و کوتاه مدت آن اخلا در امر انتخابات در کردستان و جلوگیری از ورود احتمالی نیروهای سیدگان مترقی به مجلس و هدف دراز مدت بر سر آن سرتیپ آن به جنگ آوردن دماز و دهه های انقلابی خلق کرد در طی منا ورات فیر ما سانه اش تسل و سرتیپا حومصلاتی کردن و در هم شکستن نهادها و سرتیپا انقلابی این منطقه بود.

حال کویا تاریخ دوا راه نکوار می کرد. اما گوارا راج در شرایطی صورت میگرد که اوضاع سیاسی و معادلات نیروها سیران زیادی تغییر یافته است. اگر در مرداد ماه گذشته، سرتیپا نمایندگان زایدی مردم برای راه یافتن به مجلس خیرگان (در تپیه) که اینها با شرایط در اعیان صورت می - کرد (بک احتمال) اما احتمالاً قوی قلمداد می شد. در شرایط کنونی و بدیگرت دماز و دهه های سرتیپا این دوره حتما ه خلق کرد فو دینما تبه سرتیپا انقلابی و کمونیست در میان بوده های این منطقه. در این انتخابات کنونی مجلس این احتمال، به یک امر حتمی و بیلتربید تبدیل شده است.

انتخابات، اگر در کردستان در شرایط مساعد و آرام صورت گیرد، منظور رئیس میوان گفت که در اکثر سرتیپا این منطقه، نمایندگان نیروهای انقلابی و مترقی سرتیپا خواهند. و جنب ارتجاع در کردستان از همینجا بر حتمه میگرد و توطئه جناحهای جنک افروز هیئت حاکمه در کردستان نیز در موعدا سرتیپا همین وجهت و هراس است که در حال شکل گیری است.

خسی از این توطئه را در جریان گنید ملاحظه کردیم. منطقه ترکمن حرا و نلس آن کنید، نیز از آن مناطقی معدودی است که احتمال پیروزی نمایندگان مترقی و واقعی خلق ترکمن و شکست نمایندگان و اسبه ندر ارتجاع و هیئت حاکمه بسیار زیاد است. توطئه ای که در این منطقه شکل گرفت و منجر به کشتار سرتیپا نه تعداد زیادی از مردم مبارز در شهر گنید کردید. درست بدین منظور و با طرا بیاد یک درگیری سراسری و وسیع و بحرانی کردن منطقه و بدین ترتیب اخلا در امر انتخابات در آنجا آغاز گشت. لیکن سرتیپا خلق ترکمن و دیگری و تها ذهای میمان جناحهای متغایوت هیئت حاکمه این توطئه را در اولین کامپایش خشن نمود. لیکن منطقه ترکمن حرا هنوز دستخوش بحران است و یک حالت نا پاید و موقت بر

کردن مبارزات خلقها و شناساندن لزوم رهبری پرولتاریا به آنها است که ریشه امپریالیسم و ارتجاع و بسته به آن تا نبود خواهد شد. در طول مبارزات خلقها اعلامیه و خبرهای مربوط به مبارزات مردم تبریز را در هر شرایطی به کردستان می برد و به همین گونه برای مطلع کردن مردم تبریز از مبارزات فرمانانته خلق کرد، کوشش می نمود. رفیق درسیاری از تظا - هرات و راه پیمائی های خلق کرد در سنج، سقز و مها باد شرکت داشت.

وی بعد از زوی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی نیز از فعالیت با زنا بیستاد هود در دانشگاه در تاسیس تشکیلات دانشجویان مبارز شرکت فعال داشت و دانش آموزان و توده های زحمتکش را در حد توانش با نا تمام ما ندن انقلاب و سازشکاری مرتجعین و خسانت آنها و همچنین حقانیت رهبری پرولتاریا آشنا کرده است.

بعد از پیروزی ارتجاعی به کردستان مدتی را در مها با دبیر بر دوه فعالیت سیاسی خود ادامه داده و آنگاه در مهر ماه ۵۸ به سنج آمد تا باز دیگری پیوند خود را با دوستان دانش آموز و توده های ستمدیده خلق کرد تجدید کند و همراه آنان باشد و اینک برای توضیح آرماتهای طبقه کارگر و خواسته های عادلانه خلقهای تحت ستم و کلیه زحمتکشان و افشای مواضع دشمنان خلق بعنوان کاندیدای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت می کند.

بقیه از صفحه ۸
بارد لیر ...

گرفت. دانش آموزان را در غیاب او به سوال و جواب می کشاندند که معلم شما در کلاس چه می گوید؟ به شاه ناسزا می گوید؟ کتاب برایتان می خوانند و هزاران سوال دیگر ... هوشیاری و آموزش دانش آموزان که در اثر کار فعالانه رفیق و رفیق وقت و صمیمیت موجود بین آنها بدست آمده بود، باعث شد که عنا صرفا و خود فروخته رژیم مزدور شاه هیچگاه نتوانند کوچک ترین مدرکی برای دستگیری او تهیه نمایند.

رفیق علاوه بر کار معلمی در ارتباط نزدیک و فعالی با خانواده های دانش آموزان خود که اکثراً بدرا نشان کارگروما در نشان زحمتکش بودند، قرار داشت و به همین ترتیب نیز با زندگی کارگران آشنا شد و مفهوم مبارزه، طبقاتی را بیشتر در یافت. وی با پذیرش ایدئولوژی طبقه کارگر نشان داد که به درک عمیق تری از مبارزه دست یافته است.

او در دانشگاه نیز در اکثر مبارزات دانشجویان بر علیه رژیم منقور پهلوی فعالانه شرکت میکرد. در اوج گیری مبارزات توده ها و گشاندن مبارزات دانشجویان میمان توده ها با آنان همراه بود. در دوران سیاه حکومت نظامی در تبریز هم با دیگر رفقای انقلابی خود در حملات کارگرتشین اطراف شهر دست به تظاهرات می زد و بارها و بارها از زیر شکنجه و شکنجه های دژخیمان رژیم منقور پهلوی جان سالم بدر برد. او با اعتقاد به اینکه تنها با یکپارچه و سراسری

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

جنبش کارگری



کارگران مبارز قرقره زیبا شورای تحمیلی را پذیرفتند

تهران

پس از انحلال شورای فدک رگری کا رخا نه قرقره زیبا در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۵ کارگران شورای موقت خود را تشکیل می دهند، اما هنوز شورای مذکور کار خود را شروع نکرده با طوطه بکا شی (رئیس فدک رگر کمیته دپو) و دارودسته شورای قبلی از هم میبایند و نمایندگان شورای قبل از ورود به کا رخا نه، مقابل در ورودی آن پس از مضروب شدن توسط پاداران سرمایه دستگیر و به کمیته منتقل میشوند.

روزیکشنبه ۵۸/۱۱/۱۴ بکا شی جهت سخنرانی و روشن کردن وضع شورای با کا رخا نه می آید و پس از مقدار زیادی تعریف از خود و معاوضی (مقاوم اینان مدت ۲۴ سال افتخار دست بوسی شاه خا ش را یسد ک کشیده اند!) طرح انتخاب شورای جدید را بیان می کند. مطابق طرح اینان حداقل سی برای انتخاب شونده ۲۳ سال و حداقل سابقه کار یکسال تعیین میشود که بر اساس آن حدود ۵۰ نفر از کارگران نمی توانند از زمین خود نما بنده ای داشته باشند، تازه کا ندیدا ها با به مورد تأیید بکا شی و دارودسته اش باشند و گرنه انتخابات انجام نخواهد گرفت.

روز شنبه ۵۸/۱۱/۲۰ انتخابات در دفا شی با حضور پاداران مسلح، اعغای شورای قبلی و... برگزار میشود. کارگران با جگونی شرکت خود در این انتخاب آگاهی و عدم رعایت خود را از شورای تحمیلی بنمایش میدارند. صد نفر از کارگران انتخابات را بکلی تحریم کرده و وعده ای رای سفید و یا خط خورده به صندوق می رسند. نزدیک به صد و پنجاه نفر نیز به کارگرای غیر از کا ندیدا های اعلام شده رای می دهند. نتیجه انتخابات بقدری رسوا بوده که هنوز نتیجه آن اعلام نشده است.

مبارزه کارگران شرکت نفت - ایران شهر

روز شنبه ۵۸/۱۱/۱۳ کارگران شرکت نفت ابرانشهر در جهت تحقق خواسته های خود دست به اعتصاب میرزند. اعتصاب کارگران شرکت نفت بتدریج چهره شهر را عوض میکند و تعداد دکتیری از اتوموبیل های حمل و نقل و... بعلت نبود سوخت متوقف میشوند. بعد از ظهرها تروز مقامات شهری نزد کارگران رفته و برای بررسی خواسته های آنان ۵ روز مهلت می خواهند. کارگران با توجه به نیاز مردم و سرمای زمستان با مهلت فوق موافقت می کنند. لازم است گفته شود که حقوق کارگران هنوز بعد از ۱۶ ماه که می بایست ۵۶۷ ریال باشد در سطح روزانه ۳۰۰ ریال نگهداشته شده و شرکت نفت تا کنون از پرداخت کامل حقوق آنان سر باز زده است. خواسته های کارگران شرکت نفت عبارتند از:

- ۱ - پرداخت کامل حقوق کارگران.
 - ۲ - پرداخت ما به التفاوت از مهر ماه ۵۷ تا این تاریخ یعنی بهمن ماه ۵۸
 - ۳ - اجرای ۴۰ ساعت کار در هفته با توجه به بخشنامه وزیر نفت در مورد کارگران نفت.
 - ۴ - ایجاد دبیدانت در محیط کار.
- (بمنقل از بنیاد بلوچ شماره ۱۳)

انتقاد از خود به سبک "سه جهانی"

در یکی از شرکت های خصوصی پروزه ای (بدلایی از ذکر مشخصات این شرکت خودداری می شود) که کارفرمایش یکی از مدافعان ترضد خلقی "سه جهان" و از طرفداران حزب به اصطلاح "رنجبران" میباشند کارگران را به بهانه نبودن کار در فصل زمستان و... اخراج می کند. کارگران مبارز کارفرمای فدکارگر شرکت را به گروگان گرفته و به محاکمه می کشند. ابتدا کارگری می پرسد: آقای... چرا شما که کار نمی کنید سرمایه دار شدید ولی ما که همیشه زحمت کشیده ایم همچنان در فقر و بدبختی زندگی می کنیم؟ کارفرمای شرمناهی می گوید: "من خودم اول کارگر بودم و حالا هم طرفدار طبقه کارگرم!" کارگر دیگری می پرسد: آقای... شما از اول طرفدار طبقه کارگر بودید و یا پس از اینکه سرمایه دار شدید طرفدار کارگران شده اید؟ کارفرمای می گوید: من از اول طرفدار طبقه کارگر بودم، الان هم هستم، ولی واقعا از اینکه سرمایه دار شده ام، انتقاد دین وارد هست!

بقیه از صفحه ۲

دومین ... سرمایه داری و وابسته شاه انجام میدهد. حرکت رحمت کشان تبریز در واقع خط بطلانی بود که بر تمام جنبش و خیالهای لیبرالها و سازشکاران کشیده می شد. لیبرالهایی که با شروع اعتلای انقلابی نغمه های اعتراض آمیز خود را تنها در محدوده "حفظ قانون اساسی و نظام شاهنشاهی برمی داشتند و اما مدوبیکیری انقلاب آنها را بشدت هراسان ساخته بود. قیام تبریز با ردیگرشان دادگاه تنها نوده های ستمدیده و زحمتکشان هستند که فادرنمبارزه و انقلاب را از عرصه حرف به میدان عمل درآوردند و قاطعانه تمام نیرو علیه سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته بسازند. خا طره قیام برشکوه و افتخار آفرین مردم قهرمان تبریز همواره در یادها ماندنی است!

برتوان با دمبارزات دموکراتیک و فدا امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران!

بقیه از صفحه ۷

در سلول انفرادی گذراند. مطالبات و بحثهای درون زندان و تحلیل های که نسبت به مسائل سیاسی و ایدئولوژیک در زندان بعمل می آمد موجب شد که او نیز مانند تعداد قابل توجهی از همزمانان مجاهدش در سال ۵۴ بطور قطع از ایدئولوژی قبلی اش (ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق) ببرد و ما رکیسم-لنینیسم، ایدئولوژی طبقه کارگر را پذیرا گردید.

در ۱۷ شهریور سال ۵۷ بعلت نقشی که در شکل گیری اعتصاب غذای سه روزه زندانیان سیاسی تبریز در اعتراض به کشتار مردم بدست رژیم خا ش شاه داشت، به زندان سنتندج تبعید گردید و مدت سه ماه و نصد نیز در این زندان گذراند. اما موج توفنده مبارزات توده ها در های زندان ها را بر روی قهرمانان خلق گشود و رفیق سید احمدیان نیز آزاد گردید!

پس از آزادی از زندان و زمانی که با سازمان پیکار برقرار کرد به عضویت آن در آمد و امروز یکی از زندمندان ارجمند سازمان است.

رفیق جلیل ... دستگیری عده ای از اعضا و رهبران سازمان مجاهدین در شهریور ۱۳۵۰ مخفیانه از طریق مرز ترکیه به ایران بازگشت. مبارزه و در آن شرایط دشوار در کنار مجاهدین ادا می یافت و در تاریخ ۳۰ مهر ماه همان سال همراه با مجاهدین شهید حنیف نژاد و رسول مشکین قام و چند تن دیگر طی یورش که به محل اقامت آنان شد، دستگیر گردید.

تا اردیبهشت ۵۰ در زندان اوین بود و وقتی به حبس ابد محکوم شد او را به زندان قزل قلعه و قمر منتقل کردند و در دیماه ۵۱ بعلت درگیری با پلیس زندان به ایران زان تبعید شد. در بهمن ۵۱ همراه با دیگر زندانیان سیاسی به شیراز انتقال یافت. در درگیری روز ۲۶ فروردین سال ۵۲ در زندان، پلیس او را بمنوان یکی از محرکین این حادثه قلمداد نموده همراه با ۱۳ تن از مبارزین دیگر بمدت ۱۵ روز در بدترین شرایط ممکنه (دستها از پشت بسته، چشمها بسته و پاها در زنجیر) قرار گرفت. و پس از آن ۶ ماه را

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

گرامی باد خاطره رفیق شهید مرتضی خاموشی

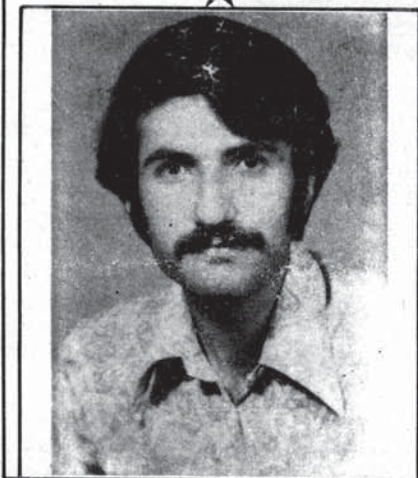
رفیق مرتضی خاموشی در سال ۱۳۳۰ در خانواده‌ای متوسط و مذهبی در تهران متولد شد. پس از اتمام دوره متوسطه در دبیرستان علوی، برای ادامه تحصیل در سال ۴۹ به آمریکا رفت. در آنجا در کنار تحصیل و کار ردها ارتباط با انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا فرا گرفت و در قلمه کوتاهی یکی از مسئولین فعال انجمن گردید. دکترای ابراهیم بزدی و زبیر حارجه سابق و دکتر مرتضی جمران نیز در همین انجمن فعالیت داشتند.

اما فعالیت رفیق خاموشی در انجمن مرسوم، زیاد طول نکشید، چرا که برانگیز محدود انجمن نمی توانست پاسخگوی نیازهای مبارزاتی او باشد. روح جستجوگر و فعال رفیق در جستجوی راه و سوادسانی مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه خاشن و نظم سیاسی سلطه امپریالیستها از مین ما بود. او با او کجکری فعالیتهای مسلحانه انقلابی در داخل کشور و دستگیری عده‌ای از دوستان قدیمش که در زندانها سازمان مجاهدین خلق ایران، در شهر سوریه، اردن، اندونزی، راه خود را بسوی پیوستن به جنبش انقلابی انتخاب نمود. آمریکا و تحصیل را رها کرد و با انبساطی نام در او احوال ۵۰ به سازمان مجاهدین (بخش خارج کشور) پیوست.

رفیق مرتضی در جریان آموزشهای نظری و عملی در ایران و همچنین در فعالیتهای سیاسی - تشکیلاتی برخورد فعال، منظم و یکپارچه داشت. او در حل مسائل سیاسی، مینگر، در برخورد با مسائل سیاسی - تئوریک، راهی دهی با رویع انتقال و همچنین از روشهای کرم، نادان و پرنحرک برخورد می نمود. رضای ایرانی و عرب که در منطقه عربی او را تا نامهای مسما اسماعیل و ماحدی شناختند، همگی سرزری سرتار، نحرک زیاد، چهره با نشاط و سیمی او را خاطر دارند.

رفیق مرتضی خاموشی دوره آموزش نظامی خود را در یگانهای انقلاب فلسطین گذراند. او در یانیز سال ۵۱ مسئولیت اجرای برنامه رادیویی "صدای انقلابیون ایران" را از طرف سازمان بعهده گرفت. این رادیو محقی با مبارکت سازمان و عسدهای از مبارزان که اکنون نام سازمان وحدت کمونیستی دارند فراهم شده بود. و تریب یکسال که این رادیو امکان بخش برنامه‌های انقلابی، افشای مسایات رژیم شاه و تبلیغ رهنمودهای انقلابی دو سازمان چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق ایران را داشت، با جدیت تمام این وظیفه را در کنیا بر

نمونه یک انقلابی رهنورد و پرتلاش مادرشالهای خفتان: از: انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا به: سازمان مجاهدین خلق ایران و یگانهای انقلاب فلسطین. انجام وظایف انقلابی در رادیو "صدای انقلابیون" اداره رادیو بخش فارسی جنبه خلق برای آزادی عمان: قرار گرفتن در موضع مارکسیستی و انجام وظایف انقلابی در رابطه با نیروهای مترقی منطقه: بازگشت مخفیانه به ایران و فعالیت در بخش کارگری سازمان قطع شدن ارتباط تشکیلاتی و خروج از کشور: بازگشت مجدد با سلاح و کوله‌باری از تجربه و عشق خلق و شهیدات



وظایف انقلابی خود انجام داد.

در اردیبهشت ۵۳ درجه رجو با ربط سازمان با جنبه خلق برای آزادی عمان به عدن اعزام شد و از آن زمان بمدت یکسال برنامه فارسی را در جنبه خلق برای آزادی عمان را اداره کرد. در حالیکه همزمان با آن ما موریتانی را در زمینه روابط سازمان با سازمانها و نیروهای انقلابی و مترقی منطقه نیز عهده دار بود.

رفیق خاموشی در رابطه با تحولات ایدئولوژیک درونی سازمان مجاهدین در موضع مارکسیستی قرار داشت و خود حتی پیش از تثبیت این موضع در بخش



رفیق مرتضی، در مأموریت مطبوعاتی خلیان اسیر ایرانی در ظفار

منشعب، در جهت آن فعالیت میکرد. رفیق مرتضی در مدت چند سالی که در منطقه عربی بود، از تجربیات، دستاوردها، شکستها و پیروزیهای مبارزات خلقهای قهرمان فلسطین، عمان و یمن دمویکرا تیک نمونه‌های زیادی را بچشم دیده با شوق زیاد آنها را برای سایر رفقا نقل می کرد. او به اتکا آموزشهای که در سازمان انقلابی خود دیده بود، پیروزیها و شکستها را در کناره‌های می دید و میکوشید آنها را بررسی کرده از آنها درس بیا موزد. او از زمین زار و به دید با تجربیات انقلابی فلسطین و عمان برخوردار میگردید و آنها را به سازمان منتقل می نمود. او که بخصوص در مراحل حساس انقلاب عمان - بویژه زمانیکه ارتش شاه حملات وحشیانه خود را علیه انقلاب خلق عمان شدت می بخشید - همراه رفقای عمانی زیسته بود، می کوشید پرا تیک غنی انقلابی این خلق را بعنوان تجربه‌ای ارزشمند در اختیار سازمان خود قرار دهد.

رفیق مرتضی در او احوال ۵۴ مخفیانه به ایران آمد و به فعالیت انقلابی خود در داخل کشور ادامه داد. این دوره از فعالیت او، مصادف با اوج اعتمایات و مبارزات کارگری آنها سال ۵۵ بود. رفیق که در این زمان در شاخه کارگری سازمان فعالیت داشت، خود بطور فعال و از نزدیک، همراه سایر رفقای هم رزم، جریان اعتمایات کارخانجات با فکار و... را دنبال می کرد.

مناقشات پس از چند ماه فعالیت در جریان تعقیب و برخورد با تورهایی پلیسی، ارتباطش با سازمان قطع شد و پس از آنکه دیگر مکانی برای برقراری مجدد فعالیت پس از چند ماه تلاش و به انکاء مکانی که خود فراهم آورده بودند، نت بطور قاجا از سرز خارج شده و مجدداً با بخش خارج از کشور بخش منشعب سازمان مجاهدین رابطه برقرار نمود.

چند ماه فعالیت انقلابی تشکیلاتی و در تماس مستقیم با طبقه کارگر، رفیق را با دید عینی بیشتر معتقد نموده بود که ضروری است برای کار در میان طبقه کارگر نیروی هر چه بیشتری صرف شود. او تحارب خود را در رابطه با بخش نشریه "قیام کارگر" ارگسان کارگری بخش منشعب با شور و علاقه زیادی برای رفقا بازگویی کرد.

رفیق خاموشی در زمستان ۵۵ برای بار دوم همراه رفیق شهیدها بده (حوریه) با زرگان، مخفیانه به ایران بازگشت. آنها با سلاحهایی که با خود حمل می کردند تا لیم به تهران رسیدند اما نتوانستند سرقرارهای خود حاضر شوند.

چندین ماه بعد معلوم شد که رفقا جهت رهائی از دام پلیس، مجدداً قصد خروج از کشور را داشته اند ولی در نزدیکیهای مرز با زرگان در مواجهه با تعقیب پلیس، قرصهای سیاه نور خود را جویده و بسنه نهادت رسیده اند. (احتمالاً ۳ اسفند ۵۵) دو سال بعد پس از تصرف مراکز واک در جریان قیام بهمن ماه، عکسی که چنانچه‌های این دور رفیق را همراه با سلاحها و مدارکی که با خود داشتند نشان میداد، به دست مبارزان افتاد.

خون این رفقای شهید همچون خون هزاران شهید دیگر که در راه مبارزه با نفوذ و سلطه امپریالیسم و ارتجاع و در جهت برانداختن هرگونه ستم طبقاتی و ملی مبارزه کردند و پیروان نه‌و ارجان خویش را فدای آزادی زحمتکشان ساختند، دینی است در گردن ما. این خونها ما را به ادامه انقلاب رهائی بخش زحمتکشان فرا می خواند.